



۱۱ اسفندماه ۲۵۳۶ شاهنشاهی
 ۲۲ ربیع الاول ۱۳۹۸ هجری
 ۲ مارس ۱۹۷۸ میلادی } پنجشنبه

مذاکرات مجلس شورای ملی

صورت مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی روز پنجشنبه (۱۱) اسفندماه ۲۵۳۶ شاهنشاهی

- فهرست مطالب :
- ۱ - قرائت اسامی غائبین جلسه قبل .
 - ۲ - دنباله بحث در کلیات لایحه بودجه سال ۲۵۳۷ کل کشور .
 - ۳ - اعلام دستور و موقع جلسه آینده - پایان جلسه .

جلسه ساعت نه صبح برباست آقای عبدالله ریاضی تشکیل شد

- ۱ - قرائت اسامی غائبین جلسه قبل .
 رئیس - اسامی غائبین جلسه قبل قرائت میشود .

(بشرح زیر خوانده شد)

کشور برای سال ۲۵۳۷ شاهنشاهی که به مجلس شورای ملی تقدیم شده هم از نظر رقم و هم از نظر هدفها و برنامهها دارای اهمیت زیادی است همانطور که ملاحظه کردید این بودجه نسبت به بودجه سال جاری ۱۷ درصد افزایش یافته ولی با توجه به نرخ تورم فوق العاده‌ای که در سال جاری بخصوص در اواسط سال در مملکت ما پیدا شد و جناب آقای نخست وزیر در گزارش خودشان بمجلس شورای ملی اظهار امیدواری کردند که میزان تورم تا پایان سال جاری به ۱۷ درصد کاهش یابد با این ترتیب اگر کاهش ۱۷ درصد را قبول کنیم در واقع بودجه سال ۳۷ برابر با بودجه سال ۳۶ است اما رقم بودجه هرچه باشد نحوه اجرای بودجه مهم تر است این بودجه بمنند هر بودجه برنامه‌ای در قالب فضلا و برنامه‌های مشخصی تنظیم شده ولی هنگامی ما نمیتوانیم از هر یک ریال این بودجه به نحو صحیح استفاده بکنیم که در تمام مراحل کار و در تمام مراحل هزینه این بودجه یک سیستم صحیح و سالم بازرسی و نظارت وجود داشته باشد ما نمی‌باید یک کاری را که می‌توانیم با یک میلیون تومان انجام بدهیم با دو میلیون تومان انجام بدهیم

غائبین با اجازه - آقایان: بنی احمد - جهان شاه افشار
 دکتر بهادری - بهبهانی - بهره‌مند - بیات - تژده -
 تولائی زاده - محمد جزایری - دانشمند - دهقان -
 رضوانی - سعیدی - سلیمانی سواد کوهی - شهبازی -
 آصفری پور - طرفی - ابوالحسن عاملی - دکتر عدل -
 قریشی - ماحوزی - دکتر نصیری - یاسینی - محمدی
 دشتکی .
 بانوان : اما آقایان - اباصلتی - ابتهاج سمعی -
 زاهدی - سلیلی - نائینی طبیب - دکتر صنیع .

- ۲ - دنباله بحث در کلیات لایحه بودجه سال ۲۵۳۷ کل کشور .

رئیس - وارد دستور میشود، کلیات لایحه بودجه سال ۲۵۳۷ کل کشور مطرح است آقای دکتر تجدد بفرمائید.
 دکتر تجدد - جناب آقای رئیس، همکاران ارجمند، هیئت محترم دولت که اغماص تشریف ندارند بودجه کل

ضمناً میدانید قسمت اعظم درآمد ما از نفت است ولی نباید فکر کنیم پولی را که ما از نفت بدست میآوریم یک پول آسانی است یک پولی است که میباید آنرا خیلی آسان خرج کنیم این پول در واقع حقوق بهای ملت ایران است این پولی است که در نتیجه کوششها و مبارزات و فداکاریها و جانبازیهای ملت ایران بارهبری شاهنشاه بدست آمده، ما اگر دفتر مبارزات ملت ایران را در خصوص نفت و رزق برزیم متوجه میشویم که در واقع چگونه ملت ایران این پول و این درآمد را با سختی بدست آورده است شاید بعضی از جوانها که تاریخ سالهای اخیر را مطالعه نکرده باشند ندانند که ملت ایران چگونه مبارزه کرد برای احقاق حق خودش، شرکت سابق نفت جنوب تنها یک شرکت بازرگانی و تجاری در مملکت ما نبود، شرکت سابق نفت جنوب یک پایگاه استعماری انگلیسها در ایران بود شرکتی بود که در تمام امور ملت ایران مداخله می کرد شرکتی بود که در تعیین سرنوشت ملت ایران نقش حساسی داشت ولی خوشبختانه ملت ایران با اراده قوی و استوار خودش و با رهبری شاهنشاه بزرگ خودش این پایگاه استعماری را درهم ریخت و حقوق مسلم خودش را بدست آورد خیلیها بودند که ظاهراً دم از آزادی و آزادی خواهی میزدند ولی در این شرکت با عوامل استعماری همکاری داشتند شاید بدانید پس از آن که حزب بیگانه پرست توده در مملکت ما تشکیل شد جبهه ای بوجود آمد بنام جبهه توده نفتی که در واقع این عوامل بیگانه پرست با عوامل شرکت سابق نفت دست در دست هم گذاشتند و علیه منافع ملت ایران و علیه حقوق ملت ایران توطئه میکردند بنابراین ما میباید قدر این پولی را که از نفت بدست می آوریم بدانیم خصوصاً اینکه ۲۰ تا ۲۵ سال دیگر منابع عظیم نفت تمام میشود و ما میباید از طرق دیگر و با کسب درآمد های دیگر ملت خودمان را اداره کنیم ما تا به حال چهار برنامه عمرانی را پشت سر گذاشته ایم و برنامه پنجم هم در شرف اتمام است و ما در آستانه برنامه ششم هستیم در طول اجرای چند برنامه آن طور که لازم بوده بین طرحها و برنامه های مختلفی که در مملکت اجرا شده هم آهنگی وجود نداشته و نتیجتاً مشکلاتی بوجود آمده است ولی ما طی این مدت تجارب بسیاری را در زمینه برنامه ریزی کسب کردیم که امروز میباید از این تجارب نه نفع مملکت استفاده کنیم برنامه پنجم همان گونه که میدانید درآمد فوق العاده ای که ما از نفت بدست آورده ایم سه بار

مورد تجدید نظر قرار گرفت و هر بار به ابعاد این برنامه افزوده شد و اینکار با توصیه برنامه ریزان صورت گرفت ولی ما بعداً متوجه شدیم که تنها پول نیست که ما را در امر برنامه ریزی و رشد توسعه اقتصادی موفق می کند بلکه عوامل دیگر از پول ما مهم تر هستند متأسفانه صدها طرح عمرانی که میبایست در برنامه پنجم اجرا بشود ناتمام ماندند و ما ناگزیر هستیم که این طرحهای ناتمام را در برنامه ششم دنبال کنیم، به اتمام نرسیدن این طرحها مسئله ای نیست که ما به آسانی از آن صرف نظر کنیم علتش با سهل انگاری است یا اشتباه یا نارسائیهای قوانین و مقررات، ولی به هر حال پول مملکت نیروی انسانی مملکت وقت مملکت تلف شده و ما میباید مجدداً برای اتمام این برنامه ها اقدام بکنیم برای برنامه ریزی میباید قبل از هر چیز ظرفیت اقتصادی مملکت را از جهات مختلف در نظر بگیریم ما میباید پول و اعتباراتی که داریم نیروی انسانی که داریم مواد اولیه ای که داریم ماشین آلاتی که داریم میزان آب زمین، راه، بندر و آنچه را که داریم همه را در نظر بگیریم و برنامه ریزی کنیم و این برنامه ریزی میباید یک برنامه ریزی جامع و با در نظر گرفتن جمیع جهات باشد نه اینکه ما تمام جهات لازم را در نظر نگیریم و بعد مواجه با مشکل نشویم یا در اصطلاح امروز مواجه با تنگنا بشویم و بعد هم بگوئیم لازمه پیشرفت و تحول، بوجود آمدن تنگناست، با کمال صراحت عرض میکنم آنهایی که چنین جمله ای را تکرار میکنند برای فرار از مسؤلیت است و الا اگر برنامه ریزی با در نظر گرفتن جمیع جهات باشد قاعدتاً مشکل و تنگنا بوجود نمی آید برنامه ریزی به ظرفیت واقعی اقتصادی کشور هم آهنگی بین طرحها و برنامه ها توجه نکند و برنامه ریزی نماید و بعد هم مشکل و تنگنا بوجود بیاید این که برنامه ریزی نیست، وقت بفرمائید که بکنون در ماه سه هزار تومان حقوق دارد میتواند این سه هزار تومان را بدون برنامه ریزی خرج بکند در این صورت آخر ماه ناگهان متوجه میشود که پولی برای پرداخت اجاره منزل ندارد این یک تنگناست و یا فرض بفرمائید من می خواهم از این جا بروم میدان سیه اگر اینکار با برنامه ریزی توأم نباشد از خیابانها و کوچه های مختلف عبور می کنم بدون اینکه بدانم کجا میروم در این صورت ممکنست به یک کوچه بن بست برخورد کنم این میشود تنگنا ولی اگر با برنامه صحیح جلو بروم از اینجا وارد خیابان شاه آباد میشوم میرسم به میدان خیرالذکر و بعد وارد خیابان سعدی و سایر کوچه ها و

با تنگنایی مواجه نمیشوم بنابراین اگر نمی بینید که ما دچار مشکلات یا تنگنایی میشویم باین سبب است که برنامه ریزی ما صحیح و دقیق نیست. هنگامیکه ما کالاهای زیادی را از کشورهای خارج وارد می کنیم بدون اینکه حساباً بندر و اسکله و انبار و جاده ها و وسائط نقلیه خودمان را داشته باشیم مشکلاتی بوجود می آید یعنی کشتی که وارد آبهای ایران شد اگر اسکله ای پیدا کرد انبار نداشتیم که کالاهای کشتی را تخلیه کنیم و هنگامیکه بعد از مدت ها انبار پیدا شد جاده و وسیله نقلیه نداریم و نتیجتاً میباید تاوان این عدم آهنگی را بپردازیم و میلیونها تومان بابت اضافه توقف کشتی ها بعنوان «سورشاز» بدهیم.

درست است که میباید یک رشد سریع و مستمر داشته باشیم ولی همانطور که رهبر مملکت بهنگام شرفیابی هیأت دولت جدید فرمودند آهنگ این رشد میباید تعدیل شود و ما میباید حد اعتدال را رعایت کنیم حتی ایشان جمله بسیار قشنگی فرمودند. ایشان فرمودند که مثلاً اگر ما رشدی معادل بیست درصد داشته باشیم ولی در مقابل این رشد ۲ درصد تورم داشته باشیم این رشد رشد نیست بلکه این تورم آن رشد را خنثی میکند.

در برنامه ششم در درجه اول میباید بین برنامه ها با توجه به ظرفیت واقعی اقتصاد کشور هم آهنگی بوجود آید و تعادل برقرار گردد و امور بصورت متعادل پیشرفت کند. ایجاد تعادل مطلق در اقتصاد یک امر فرضی است ولی وظیفه برنامه ریزان است که سعی کند فاصله اقتصاد را از نقطه تعادل که در آن تمام عوامل تولید به نحو مطلوب به فعالیت مشغول اند کم کنند چون همین عدم تعادل های چند سال اخیر که در اقتصاد ما ظاهر شد مسبب ایجاد نارسائیهای مختلف بود.

متأسفانه در برنامه پنجم تعادل بین فعالیت های بلند مدت و فعالیت های تولیدی کوتاه مدت حفظ نشد و حالا هم انجام این کار محال نیست ولی دشوار است. آنچه که کمیسیون شاهنشاهی اینک هم خود را معطوف بان کرده است استفاده از ظرفیت کامل واحدهای تولیدی و کاستن از ضایعات بعنوان بهترین راه حل کوتاه مدت برای افزایش عرضه تولیدات داخلی میباشد. اصلاح قوانین و مقررات و نظام اداری هم لازم است به نحوی که در کارها بجای کاغذ بازی به اصل مطلب توجه شود بگونه ای که سرمایه گذار تشکیلات اداری را عاقلی در جهت کمک به برنامه های تولیدی خودش بداند و منابع و رادعی در راه انجام کارها در برنامه ششم میباید

از ابتداء به عوامل زیر بنایی اقتصاد مثل آموزش و پرورش، برق، آب، راه اسفالت، راه آهن، راههای روستایی، بنادر، انبارها و تولید مصالح مورد نیاز اقدام جدی بعمل آوریم و اگر بدون توجه به عوامل زیربنایی به عوامل روستائی مثلاً برای ایجاد کارخانه های گوناگون اقدام کنیم ناتوانی تأسیسات زیربنائی بیشتر آشکار خواهد شد. از سوی دیگر این امور تورم زاست. هر پولی که در این راهها خرج میشود به نحوی برای خرید کالاهای مصرفی وارد بازار میگردد و قدرت خرید بالا میرود و میباید در قبال این قدرت خرید کالاهای مورد تقاضا با اندازه کافی در بازار موجود باشد و الا با مقدار معینی کالا و افزایش قدرت خرید قیمت ها سیر صعودی بیشتری خواهد داشت و نرخ تورم افزایش خواهد یافت.

یکی از دوستان یادداشتی داده اند که تورم را توجیه کنم. البته میدانید یکی از هدفهای مهمی را که دولت بر اساس توصیه های رهبر مملکت دنبال میکند مبارزه با تورم و گرایش های تورمی است تورم یک بیماری اقتصادی است که گریبانگیر بسیاری از کشورهای جهان شده بدیخانه گریبانگیر کشور ما هم شده است میزان این تورم در کشورهای مختلف متفاوت است مثلاً برخی از کشورها مثل ژاپن و یا جمهوری فدرال آلمان کمتر دچار تورم هستند ولی بعضی از کشورهای مثل کشورهای اروپائی و امریکائی بیشتر دچار تورم میباشند اصولاً وقتی که ما پول های زیادی را به جریان بیاوریم و این پولها در اختیار مردم قرار بگیرد ولی در مقابل این پولها ما تولید به اندازه کافی نداشته باشیم نتیجتاً قیمت ها میروند بالا و اصطلاحاً تورم بوجود می آید اما تورم همیشه همراه است با اشتغال کامل یعنی معمولاً در جایی که تورم هست اشتغال کامل هم هست این فرم کلاسیک تورم است که در کشور ما ضمن اینکه تورم هست اشتغال کامل هم هست حتی می خواهم عرض کنم که اشتغال زائد هم هست دیروز در مجلس صحبت شد که ما حدود دو میلیون نفر نیروی انسانی خارجی داریم که در مملکت بکارهای مختلف اشتغال دارند ولی در دنیای امروز در جهان اقتصاد یک پدیده تازه ای از تورم بوجود آمده که تورم همراه با بیکاری است و علمای اقتصادی هم نتوانسته اند علتش را توجیه کنند و نسخه شفابخشی برایش جستجو نمایند مثل کشورهای حوزه بازار مشترک، این کشورها علاوه بر اینکه دچار تورم هستند حدود ۵ میلیون نفر هم در این کشورها بی کار وجود دارد که با اتخاذ تدابیر گوناگون هنوز نتوانستند بپای این

بیکاران تکرری بکنند و حتی گفته میشود تا سال ۱۹۸۰ هم برای این بیکاران نمی‌توانند چاره‌ای ببینند ولی همانطور که عرض کردم خوشبختانه در مملکت ما تورم همراه با اشتغال کامل است اما تورم یک علت و دو علت ندارد بلکه علت مختلف دارد که خصوصاً ما می‌باید این علت را در مملکت خودمان شناسائی بکنیم و بعد هم دولت با اتخاذ تدابیر پولی و مالی و مالیاتی به جنگ تورم برود که عرض کردم یکی از این علت کمبود تولیدات ما بولهای زیادی را در بخش کشاورزی و صنعت هزینه میکنیم ولی آنطور که لازم است بازده نداریم و این مطلبی است که در کمیسیون شاهنشاهی هم راجع به آن بحث و گفتگوی فراوان شده یکی دیگر از علت تورم وجود انحصار در مملکت ماست مادر حال حاضر صدها نوع کالا داریم از قبیل وسایل یدکی ماشین انواع داروها و وسائل برقی و غیره که این کالاها را اشخاص یا شرکتها طبق مجوزی که از دولت گرفته‌اند وارد می‌کنند این اشخاص یا شرکتها هرگونه که بخواهند روی این کالاها قیمت می‌گذارند جناب وزیر بازرگانی تشریف نداشتند که این امر مهم توجه بفرمایند این اشخاص و این شرکتها حتی فاکتورهایی را می‌گیرند از کشورهای صادر کننده که این فاکتورها با بامیل خودشان تهیه میشود مثلاً یک جنسی را که در فلان کشور صدها دلار ارزش دارد با نقاضای این اشخاص فاکتور دوست‌دلاری نوشته میشود البته این فاکتورها در کشورهای صادر کننده به هیچ وجه مورد ارزیابی قرار نمی‌گیرد و توسط نمایندگی دولت شاهنشاهی هم فقط صحت امضا گواهی میشود. چون کشورهای صادر کننده میخواهند بهتر ترتیب که هست اجناسی کشورشان را صادر کنند و وارد کنندگان این کالاها بصورت مختلف مثلاً بایک تلکس یا تلگراف به طرف خودشان اطلاع میدهند که فلان کالا را تا سه ماه دیگر به ایران صادر نکنید و یا این که این کالاها را در انبارهای گمرک مدت‌ها نگه میدارند در بازار کمبود مصنوعی بوجود بیاید، بازار سیاه درست شود و نرخ‌ها بالا میرود بنابراین یکی دیگر از علت مهم تورم در مملکت ما وجود انحصار و شبه انحصار است. که باید برچیده شود و انحصار و شبه انحصار دیگر متناسب با مقتضیات جامعه انقلابی ما نیست و یک عمل ضد ملی و ضد انقلابی است و من مخصوصاً از جناب اعلیٰ معاونت محترم وزارت بازرگانی تقاضا می‌کنم که به این مطلب مهم توجه فرمایند. یکی دیگر از علت تورم اصراف و بذیر است در مملکت که این اصراف و

بذیر بیشتر ویژه نواحستانگان و تازه بدوران رسیده‌ها و آنهایی است که پول‌های با آورده بدست آورده‌اند و برای خرید کالاها به مقدار زیاد پول‌های خود را خرج می‌کنند زیاد می‌خرند و گران می‌خرند و حتی برای خرید کالا به بازارهای سیاه رومی‌آورند ما می‌باید واقعاً با این گروه‌ها هم مبارزه کنیم البته بشیوه‌های مختلف یعنی در واقع دولت باید علاوه بر اعمال سیاست‌های مالی و پولی و مالیاتی که عرض کردم یک رفتار ضد تورمی در مملکت ما بوجود بیاورد توجه بیش از حد به سیاست‌های رفاهی هم ایجاد تورم می‌کند البته اعمال این سیاست تا حدودی لازم است ولی ما می‌باید از حدود مغبی تجاویز نکنیم، ما می‌باید پول مملکت را بیشتر در راه کارهای تولیدی مصرف کنیم این مهم ترین اقدام برای جلوگیری از تورم است، مثلاً ما سالانه حدود ۳۰۰ میلیون تومان را برای اردوهای عمران ملی خرج می‌کنیم البته هزینه این پول اثرات تولیدی سریعی ندارد و ضمن اینکه اثرات مفیدی دارد اجازه بدهید اثرات اقتصادی آن را هم عرض کنم، این پول در اختیار اشخاص مختلفی قرار می‌گیرد که این اشخاص با در دست گرفتن این پول احتیاج به لباس دارند، احتیاج به غذا دارند، احتیاج به کالاهای مختلف دارند. تقاضاها زیاد میشود، مصرف زیاد میشود ولی در مقابل تولیدی نیست و به تورم کمک میکند. فشار تورم بیشتر روی آنهاست که درآمد ثابت دارند مانند حقوق بگیران و مستمری بگیران وارد میشود. برنامه مبارزه با افزایش قیمت‌ها هم برای مبارزه با تورم زیاد موفق نبوده است و میباید برنامه‌های تازه‌ای در این باره طرح و اجرا کنیم. تورم وارداتی هم در اقتصاد ما تأثیر زیاد دارد. واردات ما بیش از ۲۰ برابر صادرات غیر نفتی است و سالانه از رقم ۱۷ میلیارد دلار فراتر میرود. با گران شدن قیمت‌ها در کشور سازنده و با افزایش هزینه‌های حمل و نقل و غیره کالاهای وارداتی گرانتر تمام میشود و بدین ترتیب تورم وارد کشور ما میگردد بالا رفتن قیمت‌ها در بعضی کشورها هم در واقع عکس عکس العملی است در برابر بهای نفت. برای خنثی کردن عوامل تورم زای خارجی میتوانیم از راه تغییر مناسب سود بازرگانی یا حقوق گمرکی و یا تعدیل بموقع نرخ ارز مخصوصاً نسبت ارزهایی که سهم عمده در واردات ما دارد از افزایش قیمت ربالی کالاهای وارداتی جلوگیری کنیم دیگر اینکه ما می‌باید حتی المقدور از وابسته کردن

جلوگیری نمائیم. با توجه بمطالبی که عرض کردم دولت میباید حقیقتاً با مطالعه و تحقیق علت پیدایش تورم را در مملکت بررسی کند و سپس با اتخاذ تدابیر گوناگون و شیوه‌های مختلف به جنگ تورم برود یکی دیگر از هدف‌های مهم دولت افزایش تولیدات غیر نفتی است که در واقع همان طور که عرض کردم با افزایش این تولیدات با تورم هم مبارزه میشود ولی ما این تولیدات را می‌بایستی از کجا بدست آوریم؟ یا از بخش صنعت است یا از بخش کشاورزی یا از کالاهای سنتی است مثل فرش، پنبه، خشکبار، پسته یا چیزهای دیگر ولی متأسفانه میباید عرض بکنم که صنعت مایک صنعت بیمار است صنعت ما صنعتی است که به تدریج این بیماری اش مزمن میشود و ما می‌باید هرچه زودتر و با تدابیر گوناگون بیماری اش را معالجه بکنیم. جای بسی تأسف است که ما وقتی می‌بینیم در مقابل ۱۰ میلیارد دلار واردات مملکت ما فقط ۶۰۰ میلیون دلار صادرات داشتیم. یعنی صادرات ما $\frac{۱}{۱۰}$ واردات بوده و در مقابل این واردات و صادرات ما ۲ میلیارد دلار سورشارژ پرداخته‌ایم پس حقیقتاً وقت آن رسیده است که مادر اندیشه زیاد شدن صادرات غیر نفتی خودمان به معنی واقعی باشیم نه با حرف زیرا همان طور که رهبر مملکت بارها فرموده‌اند پس از ۲۰ یا ۲۵ سال دیگر که نفت ما تمام میشود ما اگر صادرات غیر نفتی نداشته باشیم چه خواهیم کرد و بطوری که پیش بینی میشود تا آن موقع جمعیت ایران به ۶۰ میلیون نفر میرسد و آن روز واردات ما به حدود ۴ میلیارد دلار برسد که با در نظر گرفتن نرخ تورم شاید این رقم به ۱۲۰ میلیارد دلار برسد در مقابل این رقم چه صادراتی خواهیم داشت دوستان عزیز ۵۰ سال است که از عمر صنعت ایران گذشته رضاشاه نیز بنیان گذار ایران نو برای شکوفان شدن صنعت ایران خوشش و تلاش بسیار کرد ولی طی این مدت آنطور که نرم بود نتوانستیم در راه پیشرفت صنعت خودمان موفق باشیم و ما می‌باید نارسائی‌هایی را که در این زمینه داشتیم و داریم هرچه زودتر جبران کنیم پول‌هایی که دولت به عنوان وام به صاحبان صنایع میدهد مستطاب این پول‌ها در راه صنعت و در راه گسترش صنعت خرج نمیشود در گذشته این پول‌ها بیشتر بصرف خرید ارض زمین و بورس بازی زمین صرف شده است جناب آقای رامید روزبه روز هم کیفیت کالاهای صنعتی مملکت ما می‌آید هم مقدار تولیدات کم میشود و صاحبان

بهبود کیفیت کالاهای خودشان اقدام نمی‌کنند ما پول داریم اعتبار داریم، نیروی انسانی هم داریم هرچاهم که کارمان لنکی پیدا کند از کارشناسان خارجی و از نیروی انسانی خارجی استفاده می‌کنیم ولی نموده‌اند آن طور که لازم است صنعت ما پیشرفت نگردم ملت ایران برای شکوفان شدن این صنعت تا بحال فداکاری‌های بسیار کرده است شما میدانید ما پیکان را به قیمت شورت و بیوک آمریکا می‌خریم ما می‌بخشیم، کولر بخاری و سایر کالاها را با قیمت‌هایی می‌خریم که اگر خواسته باشیم همین کالاها را از خارج وارد کنیم خیلی ارزان‌تر تمام میشود ملت ایران فداکاری می‌کند برای حمایت از صنعت کشور که ولی صاحبان صنایع هم در مقابل می‌باید که نقش خودشان را ایفاء کنند میباید همان طور که جناب نخست‌وزیر فرمودند به سود معقول و منطقی قانع باشند می‌باید صاحبان صنایع که میلیون‌ها تومان وام می‌گیرند و از کمک‌های بی‌دریغ دولت استفاده می‌کنند، کارگران خودشان را، کارکنان خودشان را آموزش بدهند جناب نخست‌وزیر در مجمع عمومی انجمن مدیریت ایران گفتند کارآئی و بهره‌وری ما با سطح بین‌المللی فاصله زیادی دارد. تنها پول حلال مشکلات نیست بلکه مدیریت صحیح و دلسوز نیروی انسانی کاردان و لایق مهتر از پول است و بدون آن پول و درآمد سرشار بهر میرود صاحبان صنایع در کشور ما حاضر نیستند برای کارگران و کارکنان کارخانه‌ها خانه سازمانی درست کنند در حالیکه شما می‌دانید این اقدام سبب میشود که بهره‌وری بیشتر بشود و بازده بیشتر بشود (صحیح است) پس ما می‌باید واقعاً از بعضی از کشورها که به راه صنعتی شدن گامی گذاشته‌اند و پیشرفت‌های زیادی کرده‌اند درس بگیریم، و تحمل کنیم من همیشه ناراحت هستم که یک کشور خارجی را مثال بزنم ولی در این جا می‌خواهم از نظر مقایسه عرض کنم کشوری مانند ژاپن که نفت ندارد مواد معدنی ندارد و تمام این چیزها را از گدشه و کنار تپا تهیه می‌کند، رقیب سرسخت کشورهای بزرگ صنعتی شده و شما میدانید یک زمان کالاهای ژاپنی بنام کالاهای بنجل در دنیا معرفی شده بودند در حالی که امروز معروفترین و مطمئنترین کالاها را می‌سازد. فعلاً ساعت‌هایی که در ژاپن ساخته میشود بازار فروش ساعت را در سوئیس کساد کرده سال گذشته آمریکا فقط ۴ هزار توپسول توانست صادر کند ولی حدود یک میلیون توپسول ژاپنی در آمریکا به فروش رفت زمانی آلمان از

نظر صنایع ایتیک (دوربین وغیره) در دنیا از همه جا جلوتر بود ولی امروز ژاپن از آلمان پیشی گرفته بنابراین ما می باید حقیقتاً تدابیری بیندیشیم که صنعت مملکت آن طور که رهبر مملکت می خواهند شکوفان بشود ما میتوانیم در آینده بخش مهمی از صادرات غیر نفتی خودمان را بصادور کالاهای صنعتی تأمین کنیم بخش دیگری که میتواند برای ما تولید فراوان داشته باشد بخش کشاورزی است درباره کشاورزی تا به حال صحبت های بسیار شده من میخواهم در اینجا یک سؤال بکنم آیا واقعاً ما می خواهیم یک کشاورزی پیش رفته داشته باشیم یا نمی خواهیم؟ اگر میخواهیم یک کشاورزی پیش رفته داشته باشیم آن چه تا به حال عمل کرده ایم صحیح نبوده این درست است که ما می باید یک کشور پیشرفته صنعتی بشویم و حقیقتاً هم استعداد صنعتی شدن را داریم ولی در عین حال میباید عرض کنم صنعت و کشاورزی از یکدیگر جدا نیست شما کدام کشور پیشرفته صنعتی را در دنیا می شناسید که کشاورزی اش عقب افتاده باشد کالاهائی که در صنعت مصرف میشود یا مواد معدنی است یا از بخش کشاورزی مثلاً ما اگر خواسته باشیم در قسمت صنایع نساجی پیشرفت داشته باشیم احتیاج به بنه و پشم و کرک داریم که در بخش کشاورزی و دامپروری تهیه میشود و یا اگر ما بخواهیم صنایع غذایی خودمان را توسعه بدهیم یک قسمتش از بخش کشاورزی تأمین میشود بنابراین همان طور که عرض کردم صنعت و کشاورزی بهم پیوسته است و می باید به موازات هم پیش برود وقتی که بودجه وزارت کشاورزی را در کمیسیون بودجه آوردند ما دیدیم که ۰.۳٪ سازمان را ردیف کرده اند که هر کدام از این ها علی الظاهر یک کاری را در بخش کشاورزی به عهده دارند ولی حقیقتاً این سازمان های مختلف چه می کنند و با این همه اعتبار و تازمه تا این حد در کشاورزی دچار نابسامانی هستیم که تمام کالاهای اساسی و ضروری و مواد غذایی خودمان را می باید از خارج وارد کنیم بنابراین ما در بخش کشاورزی آن اقدامات اساسی را که می بایست انجام بدهیم انجام نداده ایم شما میدانید ما یک کشوری هستیم که از نظر آب و زمین محدودیت داریم ولی آیا واقعاً از آن چه که داریم به نحو احسن استفاده می کنیم؟ جواش منفی است ما از منابع آب مملکت به نحو صحیحی استفاده نمی کنیم همان طور که دوستان قبلاً گفته قسمت اعظم آب کشاورزی

ما تلف میشد و شاید ۰.۵ درصد آب کشاورزی ما یعنی آبی که بوسیله قنات ها جاری میشود یا از اعماق چاه ها بوسیله موتور پمپ با هزینه زیاد بیرون می آید از بین می رود زمین های کشاورزی ما هنوز واقعاً شناسائی نشده، هنوز کشاورز نمیداند که در فلان زمین چه چیزی را کشت بکند، چه محصولی بیشتر صرفه دارد ما ظاهراً مؤسسه ای داریم بنام مؤسسه خاک شناسی و حاصل خیزی خاک ولی این مؤسسه واقعاً چه می کند؟ وجه خدماتی را در مملکت انجام داده است. در حالی که میباید وجب به وجب خاک این مملکت شناسایی شود بررسی بشود تا هر کسی در هر گوشه مملکت که کشت میکند بداند که چه کشت کند و زمین او چه استعدادی دارد. کارشناسان کشاورزی که این جا تشریف دارند میدانند فی المثل برای برداشت یک تن گندم از زمین حدود ۳ کیلو ازت از آن زمین به مصرف می رسد ولی در مقابل سی کیلو ازتی که به مصرف می رسد آیا ما چیزی را جایگزین می کنیم یا اصولاً مردمی که کشاورزی می کنند به این مسئله توجه دارند و قتیکه توجه نکنند بازه زمین از نظر محصولات کشاورزی پائین می آید بنابراین قانون استرداد یعنی جایگزین کردن موادی از زمینی که مصرف میشود میباید رعایت شود تا میزان محصول در واحد کشت پائین نیاید و از استعداد زمین حداکثر استفاده شود، همچنین ما تا به حال در زمینه کشاورزی هیچگونه پژوهشی و تحقیق اساسی نکرده ایم در حالیکه برای یافتن به یک کشاورزی پیشرفته تحقیق و پژوهش لازمه کار است مثلاً ۱/۳ گندم مملکت در غرب ایران بدست می آید ولی یک مؤسسه تحقیقی و پژوهشی در غرب ایران نداریم من از شهر خودم رفسنجان مثال می زنم این شهر یکی از مهمترین مراکز اقتصادی مملکت است جناب آقای دکتر آگاه تشریف دارند و این موضوع را می دانند در حالیکه در همه جای مملکت صحبت از نابسامانی کشاورزی است صحبت از کمبود محصولات کشاورزی است صحبت از ضرورتیان کشاورزی است رفسنجان منطقه ای است که سالانه ۴ هزار تن پسته تولید می کند که ارزش آن رقمی در حدود یک میلیارد تومان است و در حدود ۷۰۰ میلیون تومان ارزش وارد مملکت میشود ولی سازمانهای مسئول کشاورزی مملکت به این منطقه کمک های مؤثری نمیکنند تمام محصولی که بدست می آید در نتیجه تلاش و کوشش خود

بدرم است در رفسنجان هم مانند سایر شهرها بانکی است بنام بانک تعاون کشاورزی که وامی با تشریفات زیاد به کشاورز میدهد ولی کشاورزان و باغداران مخصوصاً باغداران و کشاورزان جزء نمی توانند از اعتبارات این بانک استفاده کنند هر سال شاید حدود ده هزار تن و بعضی مواقع نیمی از محصول پسته رفسنجان در نتیجه آفات مختلف از بین می رود دولت چه برنامه ای را در این باره اجرا می کند و چه کمک مؤثری را به کشاورزان میکند، یادم است که سال گذشته حتی سم هم در این شهرستان برای مبارزه با آفات پسته بازار سیاه پیدا کرده بود سمی است به اسم زلون قیمت این سم چند برابر قیمت معمول شده بود و کشاورزان برای تهیه آن ناگزیر در صف می ایستادند صحبت از تحقیق و پژوهش شد رفسنجان با این اهمیت اقتصادی که عرض کردم میباید یک مرکز تحقیقاتی پسته داشته باشد که در حد جهانی دارای ارزش و اعتبار باشد چون در هیچ نقطه ای از جهان مثل رفسنجان این مقدار پسته تهیه نمی شود (عالمی - دامغان هم هست) ولی جناب عالمی مقدارش در مقابل محصول رفسنجان بسیار کم است (مظهری - این محصول پسته استان کرمان است) (دکتر تجدد - این مقدار که عرض کردم محصول پسته رفسنجان است که سال بسال هم زیاد میشود) (عباس میرزائی - پسته وجود دارد و همه جای ایران سرای من است) اجازه بدهید اول وزارت کشاورزی این کار را انجام بدهد آن وقت امیدوار هستیم برای تمام جاهائی که پسته است انجام بدهند چند سال قبل در این شهر یک ایستگاه تحقیقاتی تأسیس کردند بنام ایستگاه ۲۵ شهریور که درسی کیلومتری رفسنجان قرار دارد زمین این دستگاه تحقیقاتی از بدترین زمین های رفسنجان است و تمام زمین ماسه است و سال ها خاک دستی آورده اند و ریخته اند که قابل کشت باشد چاهی در آن ایستگاه حفر کرده اند در عمق حدود ۲۰۰ متری به آب رسیدم در حالیکه شما میدانید وقتی که ما میخواهیم در منطقه ای یک ایستگاه تحقیقاتی کشاورزی درست کنیم نوع زمینش میباید از نظر نوع خاک معدل این های آن منطقه باشد در حالیکه همان طور که عرض کردم این زمین بدترین نوع زمین است و طی سال ها وزارت کشاورزی در این ایستگاه میلیون ها تومان خرج کرده نهال هائی را که پرورش داده آورده به نوعی نماد که خود وزارت کشاورزی انتقال این نهال را از جا به جائی دیگر منع کرده و این ایستگاه تحقیقاتی

سالانه مبلغ زیادی برای دولت هزینه دارد بنابراین همان طور که عرض کردم ما در زمینه کشاورزی کارهای اساسی را که می بایست انجام بدهیم، انجام نداده ایم و حقیقتاً اگر میخواهیم یک کشاورزی پیشرفته داشته باشیم می باید آنچه را که تا به حال انجام نداده ایم انجام بدهیم در طی چند جلسه گذشته صحبت از کشاورزی صنعتی و دستی شد ولی من میخواهم با کمال صراحت عرض کنم که دست یافتن به یک کشاورزی صنعتی امری اجتنابناپذیر است ما می باید حتماً به یک کشاورزی صنعتی تبدیل بشویم تا بتوانیم به حد خود کفائی نسبی برسیم و خودمان را از این نابسامانی نجات بدهیم (انشاء الله) کشاورزی ما باید از یک حالت غیر تکنیکی که الان دارد تبدیل بشود به یک حالت تکنیکی و به این ترتیب بازده زمین از نظر محصولات کشاورزی بالا برود والا اگر فکر کنیم تعدادی ماشین آلات کشاورزی را ما در روستاها پخش کنیم کشاورزی ما صنعتی و پیشرفته بشود اشتباه کرده ایم و همان طور که عرض کردم ما می باید از تمام جهات تحقیق و پژوهش کنیم و کشاورزی خودمان را صنعتی بکنیم تا بتوانیم نارسائی های گذشته را جبران کنیم یکی دیگر از اشکالات مهمی که در مملکت ما وجود دارد نداشتن شبکه توزیع تولید و مصرف در مملکت است و خصوصاً ما احتیاج داریم در کشاورزی خودمان به یک شبکه توزیع اساسی و اصولی برسیم و شاید بدانید که در مملکت ما سالانه حدود ۳ تا پنج میلیارد تومان از محصولات کشاورزی بعلت نداشتن سیستم حمل و نقل منظم و نداشتن انبار و سردخانه و سیستم توزیع از بین می رود یعنی حدود ۰.۵ درصد از محصولات کشاورزی صنایع میشود و همینطور برای سایر رشته ها هم در مملکت احتیاج بیک سیستم توزیع مرتب و منظم داریم و همانطور که رهبر مملکت تأکید و اصرار دارند می باید با ایجاد این شبکه های توزیع دست واسطه ها و دلال ها را کوتاه کنیم چون وقتی چنین شبکه هائی را نداشته باشیم واسطه ها می توانند قیمت ها را بالا ببرند و بازار سیاه بوجود بیاورند و در واقع با افزایش نرخ تورم در مملکت کمک کنند یکی دیگر از مسائلی که در برنامه این دولت بان توجه زیاد شده است در اجرای اوامر رهبر مملکت تأمین مسکن بخصوص تأمین مسکن برای گروه های کم درآمد و ساختن خانه های سازمانی برای کارمندان و کارگران است که این اقدام دولت از هر جهت در خور تحسین و ستایش است ولی جناب توفیقی

وزیر محترم مسکن و شهرسازی من در اینجا میخواهم تذکراتی را عرض کنم. شما اعلام فرمودید که در طول پنج سال آینده ۹۸ هزار واحد مسکونی میسازید که در سال آینده تعدادی را که اعلام کردید میسازید ۱۰ هزار واحد است ولی امیدوارم این وعده ای را که دادید بان عمل کنید. شما اگر صفحات روزنامه ها را در چندسال اخیر ورق بزنید نمونه های بسیاری از این وعده ها و نویدها می بینید امیدوارم وعده شما عملی شود (بهنیا - این وزیر عمل خواهد کرد) چون در واقع امر رهبر مملکت است و یک نیاز عمومی است امیدوار هستیم که شما این اعتباری را که برای مسکن دارید در سطح مملکت توزیع عادلانه بفرمایید و قسمت اعظم از این اعتبار که رقم جالبی هم هست تنها به تهران اختصاص داده نشود بلکه به شهرها و بخش های مملکت هم توجه بشود تعداد زیادی شرکت های تعاونی مسکن سالها در این مملکت تشکیل شده اند و بولهای زیادی را اعضای این شرکتها پرداخت کرده اند و الا آن در حسابهای آنها جمع شده و حتی بعضی از این شرکتها ۶-۷ سال است که این بولها را پرداخت کرده اند بدون اینکه یک ریال بانها بهره داده شود. امیدوار هستیم که با سیاست های معقول و منطقی که اتخاذ میشود این شرکتها از ناسامانی نجات پیدا کنند و بهدفعات خودشان که تأمین مسکن است برسند. مسأله دیگری که زیاد اهمیت دارد موضوع تأمین مصالح ساختمانی برای مردم است شما میدانید که داستان مصالح ساختمانی در این مملکت طی سالهای اخیر منفل و در عین حال تأثر انگیز است. در سال جاری تا حدود زیادی این ناسامانی مالی بر طرف شده است ولی در عین حال میباید توجه داشته باشیم که در سال جاری بعثت رکودی که اصولاً در کار ساختمان بوجود آمد وضع مصالح ساختمانی کمی بهتر شد ولی امیدوارم تا آغاز سال جدید که کارهای ساختمانی با سرعت بیشتری شروع میشود مجدداً این بازار سیاه بوجود نیاید و واسطه ها و ازد صحنه نشوند و برای مردم مشکلاتی را بوجود نیاورند. من در اینجا پیشنهاد میکنم که حداقلاً برای توزیع مصالح ساختمانی در مملکت یک شبکه توزیع مرتب و منظم بوجود بیاید و قطعاً تا زمانی که این شبکه توزیع بوجود نیاید ما نمی توانیم ناسامانی را در امر تهیه و توزیع مصالح ساختمانی بر طرف کنیم. دیگر از مسائلی که بنحویست توجه دولت را بان جلب کنم موضوع صدور پروانه ساختمانی است شما

شخص یا یک مؤسسه ای در طول چند روز صادر میشود ولی بعضی مواقع هم ماهها طول میکشد و دستگاههای مسئول به بهانه های مختلف و اینکه مثلاً یک ورقه در پرونده شما کم است یا فلان اشکال را دارد از صدور پروانه ساختمانی خودداری میکنند. من در اینجا پیشنهاد دارم در وزارت مسکن و شهرسازی که در واقع میباید سیاست کلی تأمین مسکن را در مملکت تعیین کند یک سازمانی بوجود بیاید که در این سازمان تمام مسائل مربوط به مسکن از قبیل صدور پروانه و یا صدور استاد تفتیکی برای املاک و یا موضوع آب و برق و دیگر مسائلی که مربوط به مسکن است در این سازمان متمرکز شود زیرا در حال حاضر دستگاههای مختلفی که در این امر مداخله دارند بعثت ناهماهنگی هایی که در کار و وظائفشان دیده میشود مشکلات زیادی را برای مردم بوجود میآورند. پیشنهاد دیگرم این است که یک آرشو بزرگ اطلاعاتی در وزارت مسکن و شهرسازی بوجود بیاید که این آرشو بزرگ اطلاعاتی تمام اطلاعات مربوط به مسکن را نگهداری کند و این اطلاعات بطور رایگان در اختیار کارشناسان و افرادی که احتیاج دارند قرار بگیرد.

یکی دیگر از مسائلی که در امر مسکن مهم است موضوع کارگر پذیری است. شما میدانید در سالهای اخیر بعثت اینکه ساختمان کردن و فروش آن سود خیلی زیادی داشته و اشخاصی که در این راه سرمایه گزاری میکردند ساختمانها را با قیمتهای خیلی زیادتری تا ۱۰ هزار تومان میفروختند و برایشان مهم نبود که دستمزدهای گزاف به کارگران ساختمانی بدهند جابجائی کارگر از بخش های دیگر مثلاً از بخش کشاورزی یا بخش صنعت به بخش ساختمان بسیار زیاد بود. من پیشنهاد میکنم که واقعاً اگر امکان داشته باشد مزد کارگر ساختمان بر حسب تبحر و کارآئی اثنی تثبیت شود تا این چنین جابجائی ها وجود نداشته باشد. در سایر بخش ها اختلالاتی بوجود نیاید من فکر میکنم جناب قربانی نسبت هم به این مسأله توجه دارند. (قربانی نسب - من موافق نظرتان نیستم قربان دور کارگران را اگر خط بکشید خوشحال میشوم) من مطلبی که عرض کردم در جهت منافع کارگران بود پس شما بعرف من گوش نکردید (قربانی نسب - من با جابجائی موافق نیستم) من عرض کردم که اگر فلان کارگر که

تومان میگیرد نباید در کار ساختمان با ۷۰ تومان بدهند که کارش را رها کند و بیاید در بخش ساختمان و نتیجتاً کارخانه دچار اختلال شود (یکی از نمایندگان - مرزها را زیاد کنید) دوست عزیز ما تا چه حدی میتوانیم این مرزها را زیاد کنیم افزایش مزد میباید متناسب با بهره وری باشد که وزارت کار دنبال آنست (قربانی نسب - قربان چرا مزد دکترها متناسب با بهره وری نیست؟) جناب آقای قربانی نسب پس شما نمیدانید طرح کارانه پزشکان بر همین اساس است بفرحال پیشنهاد میکنم اگر مقدور باشد مزد کارگر در بخش ساختمان تثبیت شود تا از یک طرف این جابجائی صورت نگیرد و از طرف دیگر ساختمان هم با آن قیمت های گزاف تمام نشود اما یک مسأله مهم دیگر که به تخصص خودم مربوط میشود موضوع بهداشت و درمان در مملکت است. همانگونه که میدانید تأمین بهداشت بفرمان رهبر مملکت رایگان است و تمام افراد مملکت در هر کجا که هستند باید از بهداشت رایگان بهره مند شوند و سیاست دولت هم بر همین اساس اجرا میشود و سیاست درمان هم گسترش بیمه های درمانی است ولی متأسفانه میباید عرض کنم که به بهداشت مملکت آنطور که لازم بوده توجه نشده است چون بهداشت با درمان رابطه مستقیم دارد. و هر قدر که به بهداشت و پیش گیری بیشتر توجه کنیم کار ما از نظر درمان سبک تر خواهد شد و از هزینه های گزاف درمان کاسته خواهد شد ولی نباید فکر کنیم که بهداشت فقط مسأله واکسیناسیون است بلکه مسائل و موضوعات بسیاری است که مربوط به بهداشت است مثلاً تأمین آب آشامیدنی سالم و بهداشتی یکی از کارهای اساسی است که متأسفانه آنطور که لازم بوده انجام نشده شما میدانید که بسیاری از روستاهای مملکت حتی شهرهای مملکت هنوز آب آشامیدنی سالم و بهداشتی ندارند و بسیاری از بیمارهای واگیر بوسیله آب آشامیدنی ناسالم و غیر بهداشتی بفرم منتقل می شود. حتی عرض میکنم بیماری وای التور که به مملکت وارد شد متأسفانه بومی شد بیشتر باین علت بود که مادر خیلی از نقاط مملکت آب آشامیدنی سالم نداشتیم به بهداشت محیط در مملکت میباید توجه بیشتری شود. هنوز بسیاری از مواد غذایی که در مملکت تهیه میشود و مردم مصرف میکنند غیر بهداشتی هستند. غالب مواد غذایی که در رستورانها و غذاخوریها بفرم داده میشود آلوده هستند و متأسفانه انواع مسوومیت های غذایی را می بینیم میباید

باین مسئله توجه بیشتری مبذول شود. برای پیش گیری و مبارزه با مالاریا سالها پیش ما سازمان عظیمی را بوجود آوردیم بنام سازمان ریشه کنی مالاریا که هنوز هم فعالیت دارد تا بحال میلیون ها تومان در این راه خرج شده است ولی متأسفانه در بعضی نقاط مملکت مانند جیرفت همچنان با شدت مالاریا شایع است و کوشش هایی که قبلاً شده بهدر رفته است و بقرار اطلاع در سازمان جدید وزارت بهداشتی و بهزیستی بعضی اختیارات سازمان ریشه کنی را سلب کرده اند و نتیجتاً باعث کندی کار و دل سردی کارکنان آن فراهم شده است لازم است وزارت بهداشتی در این باره تجدید نظر کند تا این سازمان که قبلاً کارآئی آن خیلی زیاد بوده مجدداً بصورت فعال و گسترده وارد عمل شود و بیماری خطرناک مالاریا از مملکت ریشه کن گردد مسئول کنونی بهداشت محظوظ است که وزارت بهداشتی و بهزیستی شخص فعال و جدی است ولی اسکاناتش محدود است. از صدها نفر متخصص بهداشتی که در مملکت داریم در کارهای بهداشتی استفاده نمیشود و این متخصصین غالباً بکارهای درمانی اشتغال دارند و حتی تعداد زیادی از این متخصصین چون کار بهداشتی نداشته اند بهداشت را رها کرده و بدنال گرفتن تخصص در یکی از رشته های درمانی رفته اند و اکنون مطب دارند.

اما مسئله درمان که واقعاً از مضامین جامعه امروز ما شده و ملاحظه هم کردید بعضی اینکه من دهان باز کردم درباره کارگران صحبت کنم فوراً جناب قربانی نسب حساسیت پیدا کردند و موضوع پزشکان را بیان کشیدند دوستان عزیز ما در امر تأمین درمان مردم با چند عامل روبرو هستیم یکی پزشک یکی بیمار یا اگر بیمه باشد بیمه شده یکی دارو و داروساز و یکی هم بیمه گر ولی متأسفانه می بینیم که همه این عوامل در وضع موجود از سیستم درمانی مملکت ناراضی و ناراحت هستند، ولی این ناراضی و ناراحتی بگونه ای نیست که ما نتوانیم آن را بر طرف کنیم ولی حقیقت آنست که ما در این امر قصور می کنیم و در این امر تدابیر لازم را بکار نمی بریم و هر قدر هم که در این کار تأخیر بکنیم مشکلات ما از نظر درمان بیشتر می شود شما می دانید که ما در مملکت ۱۴ هزار پزشک داریم که اگر خواسته باشیم نسبت پزشک به جمعیت را در مملکت حساب کنیم برای هر دو هزار و ۴۰۰ نفر یک پزشک داریم ولی در واقع از این ۱۴ هزار نفر سه هزار نفر کار پزشکی نمی کنند و بکارهای غیر پزشکی اشتغال دارند بنابراین در مملکت برای هر سه هزار نفر یک پزشک داریم در حالیکه

استاندارد جهانی برای هر هزار نفر جمعیت یک پزشک لازم است. یعنی در واقع بیست و سه هزار پزشک کم داریم. این تعداد پزشکی هم که داریم توزیع عادلانه نیست یعنی تا ۱۰۰ بهمن اسفند ۳۰۴ نفر در تهران و ۴۰۰ نفر در شهرستانها هستند. بنابراین در تهران برای هر ۷۰۰ نفر یک پزشک داریم و در تهران تورم پزشک است درحالیکه بعضی از نقاط مملکت برای بیست هزار و سی هزار و صد هزار نفر یک پزشک داریم. از پزشکان تهران پنجاه و چهار درصد متخصص و از پزشکان کل کشور سی و شش درصد متخصص هستند. در طی سال جاری ۳۹۰ نفر تعداد پزشکان متخصص افزوده شده که از این تعداد ۲۸۷ نفر در تهران و بقیه در شهرهای بزرگ و مراکز دانشگاهی مشغول خدمت شده اند. در حال حاضر ما به پزشک عمومی و پزشک خانواده بیشتر احتیاج داریم تا پزشک متخصص و میباید با تدابیری از تخصص گرایی جلوگیری کنیم. میباید در بیمه درمانی تفاوت فاحش بین دستمزد پزشکان متخصص و عمومی کم شود. در حال حاضر پزشک متخصص برای یک ویزیت سیصد ریال و پزشک عمومی یکصد و پنجاه ریال دریافت میکند. امتیازات دیگری میباید برای پزشکان عمومی بخصوص آنها که در شهرستانها و نقاط دور افتاده کار میکنند قائل شویم. برای پزشکان مقیم شهرستانها میباید دوره های بازآموزی ترتیب داده شود و به تحصیل فرزندان آنها توجه گردد. میباید موجبات برگرداندن پنج هزار پزشک ایرانی مقیم خارج را به کشور فراهم سازیم. سالانه حدود شصت پزشک از دانشگاههای ایران فارغ التحصیل میشوند که خیلی کم است و لازم است به ظرفیت دانشگاهها برای تربیت پزشک افزوده شود. میباید دانشجویان پزشکی را منطقه ای بگیریم و تربیت کنیم که پس از پایان تحصیل در همان منطقه ادامه خدمت دهند. علت تجمع پزشکان در تهران عدم توجه به خواسته ها و تقاضاهای منطقی آنها در طول سالها میباشد. تبعیض و مقررات استخدامی مختلف و دستمزدهای جورواجور، عدم توجه به نقل و انتقالات و دیگر مسائل است که سبب شده پزشکان تهران را برای کار و زندگی انتخاب کنند.

ما پزشکانی را سراغ داریم که ده سال و پانزده سال و بیست سال در یک منطقه ای کار کرده اند ولی آنچه تقاضای انتقال کردند که به محیط مناسب تری منتقل شوند با تقاضای آنها موافقت نشده گوی در مقابل پزشکانی که بیست و پنج سال در یک منطقه ای کار کرده اند ولی تقاضای انتقال کرده اند و از همان آغاز فعالیت پزشکی در تهران

خدمت میکردند. در نتیجه بتدریج حدود نیمی از پزشکان مملکت در تهران گرد آمدند درحالیکه بسیاری از نقاط مملکت فاقد پزشک است و با پزشک کم دارد ولی حالا دیگر وقت آن رسیده است که ما واقعاً به این مشکلات و مسائل پزشکان توجه و رسیدگی کنیم، به خواسته های منطقی آنها برسیم تا اینکه موفق بشویم آنها را در مملکت عادلانه توزیع کنیم ما نباید در وهله اول از پزشکان خودمان استفاده صحیح بکنیم و در مرحله بعد از پزشکان خارجی که وارد می کنیم، تا کمی پزشک خارجی بیاوریم، چه تعداد پزشک خارجی می خواهید بیاورید (اسدی - بسیار کم کار درستی است)، من استخدام پزشک خارجی را نفی نمی کنم، نه اجازه بفرمائید ما این مطلب را می خواهیم تجزیه و تحلیل بکنیم، ما بیست و سه هزار پزشک در مملکت کمبود داریم ولی دوهزار پزشک خارجی استخدام کرده ایم، مایه باید در درجه اول از پزشکان خودمان استفاده صحیح و معقول بکنیم و هر قدر که کمبود داشتیم از خارج بیاوریم و استخدام کنیم، عرض من این است که ما نمی باید یک مسئله ای را که میتوانیم با تقاضا و با واقع بینی حل کنیم، حل نکنیم و مرتباً با پزشکان جنبه گیری کنیم، البته همانطور که در میان همه گروههای اجتماعی افرادی هستند که ممکن است خطا بکنند و وظیفه خودشان را در مقابل جامعه انجام ندهند، ما باید این افراد را تنبیه بکنیم و اصلاح بکنیم ولی موضوع کلیت ندارد که مثلاً وزارت بهداشت که در واقع مجری سیاست درمانی مملکت است با پزشکان پیوسته رودر روئی داشته باشد و با همانطور که در یک جلسه دیگر هم عرض کردم بادم شمشر یا پزشکان برخورد کند مایه باید واقعاً به مشکلات و دردهای جامعه پزشکی برسیم و از وجود آنها بیشتر برای مملکت استفاده بکنیم شمامی دانید که سیاست درمانی وزارت بهداشت را غیر از گسترش بیمه های درمانی که عرض کردم میخواهد یک شبکه تندرستی در تمام مملکت بوجود بیاورد که این شبکه از روستا تا شهرهای بزرگ ادامه پیدا کند، ولی وزارت بهداشتی و بهداشتی در نظر دارد در این شبکه تندرستی در روستاها از وجود بهورزهایی استفاده کند که این بهورزها با تحصیلات کمی که دارند یک دوره ای را می بینند و آماده میشوند برای خدمت درمانی در روستاها، البته در حالیکه ما پزشک کم داریم، میباید از کادر کمکی استفاده کنیم برای تأمین درمان مملکت ولی یک

نکته مهم را می خواهم عرض بکنم، مگر خون آدمهایی که در شهرها زندگی می کنند رنگین تر از آنهاست است که در روستاها هستند چرا تهرانی ها و مردم شهرهای بزرگ باید بوسیله پزشک معالجه شوند و روستائی ها بوسیله کسیکه مثلاً یک گواهی نامه ابتدائی دارد ببینند و گانگی در اسردمان مورد قبول و پذیرش نیست کسی که در اصفهان یا تبریز یا تهران زندگی می کند اگر یک سردرد مختصر هم پیدا کند به پزشک متخصص مراجعه می کند، بنابراین منظورم این بود که واقعاً ما با اتخاذ تدابیری بتوانیم پزشکان را در سطح مملکت عادلانه توزیع بکنیم و از وجودشان در این شبکه تندرستی استفاده کنیم، مطلب دیگر در مورد تخت های بیمارستانی است در حال حاضر ما در این مملکت ۲۰۰ بیمارستان داریم با ۳۰ هزار تخت که از این ۳۰ هزار تخت حدود ۱۰ هزار تخت به بیماران اختصاصی مثل جداسیها و مسلولین و روانی و اعصاب و معناتین اختصاص داده شده، یعنی در واقع مادر حدود ۴ هزار تخت داریم برای سایر بیماران. در سال ۳۰۷ جزو برنامه وزارت بهداشتی است که دوهزار تخت به تختهای موجود اضافه کند، ولی ما با اضافه کردن این دوهزار تخت در سال ۳۰۷ یادرسالهای آینده با توجه به رشد جمعیت هیچوقت نمی توانیم مشکل کمبود تخت را رفع کنیم در این جامی خواستم توصیه بکنم که وزارت بهداشت بجای اینکه تختهای یک میلیون تومانی و دو میلیون تومانی درست کند، تختهای ارزان قیمت دو صد هزار تومانی و صد هزار تومانی درست کند و این تختها در سراسر مملکت وجود داشته باشد در اینصورت ما میتوانیم از این اعتباری که داریم خیلی بیشتر استفاده کنیم. ما اکنون هفتاد هزار تخت بیمارستانی در مملکت داریم که با در نظر گرفتن رشد جمعیت باین زودبها نمی توانیم این کمبود را جبران نمائیم تعداد دندان پزشکان کشور هم خیلی کم هستند و حدود هفت هزار دندان پزشک در مملکت کم داریم. مطابق آخرین آمار تعداد دندان پزشکان کشور ۲۰۶۵ نفر است که از این تعداد ۲۰۳۰ نفر یعنی بیش از پنجاه درصد در تهران هستند و بقیه در ۱۳۹ شهرستان و ۳۲ شهرستان فاقد دندان پزشک است بنابراین توزیع دندان پزشک در مملکت عادلانه نیست مسئله دیگری که بازر در زمینه تأمین بهداشت و درمان مملکت است و لازم است درباره آن صحبت بکنم، مسئله دارو و داروسازی است ما در مملکت ۴۳۲ نفر داروساز داریم که مناسبانه عمده زیادی از این داروسازان همه به مانند پزشکان در زمینه های دیگر فعالیت می کنند، چون انظوری

که لازم بوده ما نتوانستیم آنها را جلب و جذب کنیم در کاری که مربوط به خودشان است، اینها حرفهائی دارند که ما می باید از روی واقع بینی حرفهای آنها را بشنویم و مشکلاتشان را حل کنیم سالهاست که داروسازان مملکت می گویند که میباید نظامی داشته باشند بنام نظام داروسازی به مانند بسیاری از کشورها ولی دولت سعی دارد که آنها را در ردیف اصناف قرار بدهد البته اصناف محترم هستند و هر کسی در هر صنفی که هست و در هر کاری که هست محترم است ولی حقیقت این است که داروسازی یکی از رشته های وابسته پزشکی است و داروساز همکار پزشک است و حق آنهاست که آنها نظامی بنام نظام داروسازی داشته باشند، وزارت بهداشتی و بهداشتی میباید لایحه نظام داروسازی را به مجلس تقدیم کند آنها معتقد هستند که غیر داروساز نمی باید در امر داروسازی سرمایه گذاری کند و سرمایه گذاری آزاد نمی باید در کار داروسازی وجود داشته باشد (بانو دکتر داودی - حق یاد کترهای داروساز است) و حقیقتاً هم این امر باعث میشود که غیر داروسازان کارهایی به ضرر جامعه انجام بدهند زیرا کسی که دارو ساز نیست و در کار داروسازی سرمایه گذاری می کند و دکتر یا دکترهای مختلفی را بخدمت میگیرد چه بسیاری از اوقات که برای تأمین منافع خودش این دکترها را وادار می کند که از مسیر اصلی خودشان منحرف بشوند.

و اگر دکتر دارو سال مطابق میل سرمایه گذار عمل نکند سرمایه گذار او را اخراج میکند میباید به داروسازان جوان که از دانشکده های داروسازی فارغ التحصیل میشوند وام تاسیس دارو خانه داده شود.

بانو دکتر داودی - باید احترام بیشتری برای دکترهای داروساز قائل شد.

دکتر تجدد - مشکل دیگری که وجود دارد پرداخت نسخه های بیمه توسط دارو سازان است که طی سالهای اخیر شما مرتباً در روزنامه های پویند مسائلی مطرح میشود در گریهائی بین داروسازان و وزارت بهداشتی وجود دارد صاحبان داروخانه ها میگویند که پول نسخه های بیمه به موقع پرداخت نمیشود. ضوابط پرداخت نسخه دست و پا گیر است مثلاً اگر پزشک اشتباه کرده باشد که شماره نظام پزشکی اش را در نسخه بگذارد، و یا اینکه تاریخ را اشتباه گذاشته باشد و یا اینکه نسخه ای مختصر خط خوردگی داشته باشد داروخانه حق ندارد آن نسخه را پرداخت کند ولی بیمار که چند خیابان را در ترافیک سنگین زیر پا گذاشته و برای گرفتن دارو به داروخانه ای مراجعه کرده شدیداً به پرداخت نسخه دارو

تعرض کرده داروی مورد احتیاج خود را می خواهد .
مادر مملکت شبکه توزیع دارو نداریم و تا هنگامیکه چنین شبکه ای بوجود نیاید توزیع دارو به نحو صحیح و مطلوب صورت نگیرد و نمی توان داروخانه ها را ملزم کرد که دارو را دوا ساعته یا چهار ساعته تحویل بیمار بدهند .
در حال حاضر در شهر بزرگ ۵/۴ میلیون نفری تهران که پایتخت مملکت است و مرکز توزیع دارو کوجه های تنگ و تاریک خیابان ناصر خسرو است که عده ای فاقد صلاحیت و بدون مجوز به کار توزیع و فروش دارو مشغول اند و فعل و انفعالات مختلفی در این محل وجود دارد و همواره عده ای کیسه بدست بعنوان شاگرد داروخانه مشغول خرید و نقل و انتقال دارو هستند . در حالیکه داروخانه ها حق ندارند مثلاً یک آمپول و یا یک قرص والیوم را بدون نسخه بپردازند در این محل هر کس میتواند یک کیسه پر از این قبیل مواد دارو را بخرد .
بهر حال جناب آقای رامبد اینها قسمتی از مشکلاتی است که در زمینه دارو و داروسازی وجود دارد و نباید هر چه زودتر این مشکلات برطرف شوند چون ادامه آنها بضرر مردم است .

موضوع دیگری که در زمینه بهداشت و تندرستی جامعه است و بارها درباره آن مطالبی را عرض کردم موضوع مبارزه با اعتیاد مواد مخدر است . با کمال صراحت عرض میکنم اعتیاد به مواد مخدر آرام آرام ریشه های حیات جامعه ما را قطع میکند (صحیح است) آرام آرام جوانهای ما را بسنت نیستی میکشاند ما میباید خیلی جدی باشیوع روز افزون مواد مخدر در مملکت مبارزه کنیم و برای اینکه این مبارزه به نتیجه بوسد میباید در درجه اول مواد مخدر را از دسترس مردم دوز سازیم و در این امر مهم غفلت کنیم . ممکن است زمانی متوجه اهمیت موضوع بشویم که کار از کار گذشته باشد ولی همانطور که در گذشته عرض کردم اعتیاد به مواد مخدر در مملکت مایادگار شوم انگلیس ها در ایران است که تریاک را رایگان در این مملکت بخش میکردند که مردم استفاده کنند و سوخته تریاک را از مردم میخریدند . اگر در گذشته فقط عده ای به تریاک معتاد بودند امروز انواع گوناگونی از اعتیاد به مواد مخدر در مملکت وجود دارد . اعتیاد به هروئین و شیره و مواد خواب آورنده ها که مشتاقانه در مملکت ما شایع است و ما با این حرارت لاک

بشتی و با این اقدامات بی اساس و بی پایه ای که تا بحال انجام داده ایم نمی توانیم با اعتیاد به مواد مخدر مبارزه کنیم جالب این است که دولت هم مواد مخدر را با صدور کوبن بین مردم توزیع می کند و هم اینکه با مواد مخدر مبارزه می کند و طبق برسیهائی که بعمل آمده پولی که ما از بابت کشت خشخاش در مملکت بدست می آوریم خیلی کمتر از هزینه ای است که برای مبارزه با اعتیاد در مملکت خرج می کنیم . بهرحال من می خواستم از دولت تقاضا بکنم که منع کشت مجدد خشخاش را در مملکت بررسی کند و بعد هم با قدرت هر چه بیشتر جلوی قاچاق تریاک در مملکت گرفته شود ، آنچه که تا بحال انجام شده کافی نبوده ما باید این نیروها را تقویت کنیم اما از نظر درمان معتادین هم تا بحال هیچگونه کار اساسی نشده در یک شهر ۴/۵ میلیون نفری مثل تهران ما یک بیمارستان معتادین در میدان ونک داریم که حدود ۸۰ بیمار معتاد را می خواباند و یک بیمارستان دریافت آباد داریم که حدود ۱۴۰ معتاد را می خواباند البته این بیمارستانها گنجایش بیشتری دارند ولی بیش از همین عده که عرض کردم معتاد بستری نمیشود کار خطرناک دیگری که اخیراً توسط وزارت بهداشت و بهزیستی انجام میشود این است که برای مبارزه با اعتیاد و درمان معتادین متادن را که یک داروی جانشینی ماده مخدر است در درمانگاهها به معتادین میدهند این یک کار خطرناکی است ، بطوری که علاوه بر اینکه معتاد اعتیادش را ترک نمی کند به متادن هم معتاد میشود ، و مرتباً معتاد از این درمانگاه به آن درمانگاه میرود در حالیکه میباید تجویز متادن زیر نظر پزشک و تحت کنترل شدید در بیمارستان انجام شود معتاد نسبت به ماده مخدر دوز و نوع وابستگی پیدا می کند ، وابستگی جسمی و وابستگی روانی ، وابستگی جسمی را ما می توانیم با یک داروی جانشینی مثل متادن در طول ده روز یا دو هفته معالجه کنیم ولی وابستگی روانی لهاها و حتی سالها طول میکشد یعنی پس از معالجه جسمی ما می بینیم که معتاد همواره یک چیزی را جستجو می کند و به دنبال گمشده است که ما باید این معتادین را توان بخشی بکنیم که متأسفانه این امکانات در مملکت نیست ، دوستان عزیز من چند مسئله دیگر را می خواستم مطرح بکنم که از طرح آنها صرف نظر می کنم و بقیه وقت را در اختیار دوستان میگذارم ولی یک مسئله ای را که نمی توانم از آن صرف نظر بکنم آلودگی هواست ، نوسان عزیز می دانید سالهاست که موضوع مبارزه با آلودگی هوا مطرح است شاید حدود ۲۰ سال است که ما درباره

آلودگی هوا صحبت می کنیم ولی در واقع هیچگونه کار عملی برای مبارزه با آلودگی هوا خصوصاً در شهر تهران انجام نشده ، ما در این شهر مرتباً یک گاز سمی بنام منواکسید کربن و همچنین سرب استنشاق می کنیم و در معرض خطر هستیم ولی هیچگونه کار اساسی برای برطرف کردن این آلودگی انجام نمی دهیم ، بر اثر برسیهائی که کردند مقدار منواکسید کربن در هوای تهران ده برابر بیشتر از حد مجاز بین المللی است و خیلی معذرت می خواهم اگر اصطلاح خارجی را بکار می برم ، در حاشیه خیابانها مقداری منواکسید کربن ۴ P.P.M است و در قسمتهای مرکزی شهر ۱۲۰ P.P.M و در مرکز شهر حدود ۳۰۰ P.P.M و برای اینکه شما متوجه خطر این گاز سمی بشوید عرض می کنم که اگر این مقدار به ۰.۰۰۰ P.P.M برسد یک انسان را در عرض پنج ، شش ساعت می کشد و از این سبب ، وجود این سموم باعث ناراحتیهای مختلف از طریق سردرد ، سرگیجه حالت تهوع و بیهوشی می شود و چه بسیاری از اوقات اشخاص را بعنوان مسمومیت غذایی سیرند به بیمارستانها و کلینیکها در حالیکه اینها دزائر این گاز مسموم شده اند که این گاز در واقع بعلت وجود یک میلیون و صد هزار اتومبیلی است که در تهران وجود دارد ایجاد میشود و روز بروز هم تعداد این اتومبیلها زیاد میشود و شاید استحضار دارید که هفته ای حدود ۵۰۰ اتومبیل به اتومبیل های تهران اضافه میشود ، مسأله دیگر که می خواستم عرض کنم سوختن زباله است در شهر تهران (احسن است) شهرداری تهران که می بایست خودش یکی از دستگاههایی باشد که با آلودگی هوا مبارزه بکند ، زباله ها را در شهر تهران می سوزاند و در این شهر روزانه ۴ هزار تن زباله بایک سیستم غلط جمع آوری میگردد و توسط شهرداری سوخته میشود . همینطور آلودگی از سرب که عرض کردم ما روزانه مقدار زیادی سرب استنشاق میکنیم که از طریق دود اتومبیل ها و کامیونها و اتوبوسها وارد هوا میشود . همچنین آلودگی مواد غذایی بوسیله ورقه های سربی که مواد غذایی در آن پیچیده میشود . مقدار سربی که توسط زمین سوپر ایجاد میشود دو برابر بنزین معمولی است . میکروگرم سرب در هر متر مکعب هوا بزرگ خطر است . مثلاً تا ۱/۹ میکروگرم پیش رفته است . منطقه امیرآباد فلک تا ۶ میکروگرم و میدان شوش و میدان سپه میکروگرم سرب دارد . میزان سرب در بدن ساکنان بزرگ میدان سپه ۴ برابر بیش از حد مجاز است . کلیه و

سلسله اعصاب بیشترین آسیب را از سرب می بینند . حملات دردناک عصبی و اختلالات روانی و اختلالات نفسی و گاهی بیهوشی از عوارض مسمومیت از سرب است . بهرحال میباید دولت اقدامات اساسی وجدی را برای مبارزه با آلودگی هوا انجام دهد و همان کاری را بکند که شهرهای بزرگ سالها پیش کردند و نتیجه مثبت گرفتند در لوس آنجلس آمریکا که وضع خیلی اسفناک از نظر آلودگی هوا داشت ۱۲ سال پیش طرح گازسوز کردن اتومبیلها پیشنهاد شد و در یک مرحله و با یک تصمیم گیری قاطع مقرر شد هر کارخانه تولید کننده و لوازم داخلی و هر کمپانی وارد کننده بشرطی میتواند مردم اتومبیل بفروشد که با تغییراتی در بعضی قسمت های موتور سموم حاصل از سوخت بنزین را تقلیل دهد . ژاپن اولین کشوری بود که قانون آمریکا را پذیرفت . ما نمی باید اجازه بدهیم که وامانده ترین و عقب افتاده ترین موتور سموم را بنامهای مختلف به کشور ما وارد کنند . ما میباید انواع تکامل یافته موتور را وارد کنیم .

در خاتمه عرایض خود من بعنوان نماینده ملت ایران در ساخت مقدس مجلس شورای ملی با غرور و افتخار اعلام میکنم که ملت ایران تحت فرماندهی شاهنشاه بزرگ خود پیروزمندانه پیش میرود و همه توطئه های ضد ملی و نیرنگهای استعماری را با قدرت سرکوب میکند .

آنها نیکه با چشم حسد بما مینگرند و نمی توانند پیروزیها و پیشرفتهای ما را به بینند ، آنها نیکه نوکران و حیره خواران خود را وادار میکنند که هر روز حقه مسمومی را علیه ملت ایران ساز کنند . آنها نیکه سالها برگردهای این ملت تازیانه های ظلم و ستم کوبیده اند و نمی توانند ایران مستقل و سرافراز و نیرومند امروز را به بینند تلاششان مذبحخانه است . خدای ایران برای ملت ما شاهنشاهی را مأمور فرموده است که در برتو رهبریهای خردمندانه اش بسوی قله های عظمت و پیروزی بجلو میرویم و رهبر ملت ما در کتاب ارزشمند «بسوی تمدن بزرگ» آشکارا از این مأموریت بزرگ خود سخن گفته اند . شاهنشاه در کتاب بسوی تمدن بزرگ فرموده اند «احساس قلبی من این است که مشیت کامل خداوندی مرا مأمور رهبری این ملت در دوران سرنوشت ساز جهان فرموده است و تا وقتیکه او نخواهد هیچ نیروی سیاسی و یا عامل اقتصادی بلکه حتی هیچ عامل غیر قابل پیش بینی فردی و خصوصی نیز نخواهد توانست مانع انجام این رسالت شود .

کتاب بسوی تمدن بزرگ بنام خدا و با اعتقاد بخدا

آراسته شده است. کتاب بسوی تمدن بزرگ شامل مسائل پیچیده فلسفی و سیاسی و اقتصادی است و راه ملت ایران را مشخص کرده است. در این کتاب همه خطوط اصلی سیاست‌های اجتماعی و اقتصادی و دفاعی ملت ایران تعیین شده است. این کتاب فقط از آن نسل حاضر نیست بلکه کتاب سرنوشت نسل‌های آینده ایران نیز هست.

امیدواریم در راه رسیدن به هدفها و برنامه‌هایی که شاهنشاه بزرگ ما تعیین فرموده‌اند دولت بیروزمندان به پیش رود و جناب آقای دکتر آموزگار هم که شخصیتی نیزهوش و لایق و مبین پرست هستند در انجام وظائف خطیر و حساسی که بعهدہ دارند موفق و مؤید باشند از خدای بزرگ و بی‌همتا می‌خواهیم که شاهنشاه آریامهر و فرمانده توانای ایران زمین و ناخدای کشتی ایران را از گزند حوادث مصون و محفوظ نگه دارد تا در زمان هر چه کوتاه‌تر و با گام‌هایی هر چه استوارتر بسوی تمدن بزرگ پیش رویم.

که گردون نگرود مگر برپهی بماناز گردد کلاه مہی (احسن - احسن)

رئیس - آقای دکتر آریایی بفرمائید.

دکتر پرویز آریایی - جناب آقای رئیس، هیئت محترم دولت، حضار گرامی، خانمها و آقایان برای اینکه بتوانم

فرصتی داشته باشیم که در لایحه بودجه کل کشور بنام نماینده ملت ایران و نماینده نسل، که در عصر انقلاب ایران بوجود آمده است در این مکان مقدس چکیده‌ای از افکار و آرمانهای خود را بیان بکنم، لازم بوده است که چندین شبانه روز در مجلس بمانم، بدون شک بودجه مجموعه ارقام و اعداد است و این ارقام و اعداد قطعاً باید بایک دید فنی و اقتصادی مورد بررسی قرار بگیرد ولی در تاریخ مشروطیت ایران طبق یک سنت پارلمانی نمایندگان فرصت داشته‌اند که در کلیات لایحه بودجه از مسائل مملکت بطور مبسوط سخن بگویند من تقارن مطرح شدن بودجه سال ۲۰۳۷ کل کشور با انتشار کتاب سوم شاهنشاه آریامهر «به سوی تمدن بزرگ» بفال نیک

میگیرم، این سند مکتوب و مطلوب تاریخی یکی از ارزنده ترین و مهمترین سندهای فرهنگ ملی ماست و ما با الهام از محتویات این سند تاریخی باید مسائل مملکتی مان را مورد بررسی قرار بدهیم چون در این سند گذشته ایران، حال ایران و آینده ایران با یک دیدگاه انسانی و علمی بسیار غنی و منحصر بفرد در شرایط بشری امروز مورد بررسی قرار گرفته است همه ما با اوج این کتاب را بسط آوردیم و خواندیم، بی‌مناسبت نمی‌دانم یک بخش

کوچکی از این کتاب را که در تعریف تمدن بزرگ نوشته شده در این مکان مقدس قرائت بکنم، شاهنشاه میفرمایند: «تمدن بزرگ یعنی چه؟ یعنی تمدنی که در آن بهترین عناصر دانش و پیش بشری در راه تأمین عالیترین سطح زندگی مادی و معنوی برای همه افراد جامعه بکار گرفته شده باشد، تمدنی که در آن دستاوردهای پدید علم و

صنعت و تکنولوژی با ارزش‌های عالی معنوی و با موازین پیشرفته عدالت اجتماعی در آمیخته باشد، تمدنی که بر پایه سازندگی و انسانیت بی‌ریزی شده باشد و در آن هر فرد آدمی در عین برخورداری از رفاه کامل مادی از حد اکثر تأمین اجتماعی و از غنای سرشار روحی و اخلاقی بهره‌مند باشد بدیهی است هر ملت و جامعه‌ای در جهان حق دارد در راه نیل بچنین هدفی بکوشد و ما صمیمانه آرزوی نسیم که چنین تلاشی در هر جا که صورت گیرد با توفیق کامل همراه باشد زیرا این تلاشی است که در راه ایفای شریفترین رسالت جامعه بشری انجام می‌گیرد. ولی تا آنجا که به ما مربوط است ما بیش از هر چیز تضمین سعادت و رفاه جامعه

ایرانی را در مدنظر داریم البته اگر تمدن بزرگ، ماکشش و جذابتی داشته باشد با احتمال قوی این تمدن از مرزهایمان خواهد گذشت و در آن صورت این در اختیار دیگران خواهد بود که درباره آن داوری کنند» در تک تک این کلمات چکیده و بالاتری از تفکر انسانی نهفته است

ما با این دیدگاه به مسائل امروز ایران و آینده ایران می‌نگریم، بودجه دولت که امروز مطرح است در حقیقت نموداری از آرمانها و سیاستها و مسائل مملکت ماست که با الهام از نظریات علمی و والای شاهنشاه ما است شاهنشاه در کتاب بسوی تمدن بزرگ خطاب می‌کنند که من شاهنشاه به عنوان رهبر سرنوشت ملت ایران، این سخنان را به ملت ایران می‌گویم پس آرمانهای ما و سیاستهای ما، بینش ما در حقیقت الهام میگیرد از مفاهیمی که در این سند بزرگ تاریخی بملت ایران ارائه شده است در ۱۰ سال پیش بنیانهای اصول انقلاب سفید ایران بانکار شاهنشاه آریامهر در فرهنگ ملی ما جان گرفت و در ۲ سالگی انقلاب یعنی در سال ۲۰۳۴ بودجه کل کشور ما ۱۷۰ میلیارد ریال بود امروز در ۱۰ سالگی انقلاب موفق ایران برای سال ۲۰۳۷ شاهنشاهی رقم بودجه به ۴۱۷۹ میلیارد ریال رسیده است و بایک مقایسه ما با افزایش حجمی قریب ۲۴ برابر رویم هستیم لایحه بودجه کل کشور که حدود ۲۰۱ ساعت بوسیله دوستان ما و همکاران ما با حضور بسیار جدی هیأت دولت مورد

بررسی قرار گرفت در این بودجه که در ۱۳۴۲ صفحه تنظیم شده وجود ارقام و اعداد در ارتباط با حال و آینده کشور یکی از نشانه‌های بارز موفقیت تلاشهای انقلابی شاه و ملت ایران است که در پشت هر کدام از این اعداد و ارقام فلسفه‌های بزرگی نهفته است که این فلسفه‌ها در بنیادهای اصولی انقلاب سفید ایران ریشه دارند پس با این مقدمه برای ما کاملاً معلوم است بعنوان نماینده مردم ایران که با چه دیدی باین بودجه می‌نگریم، بودجه ما در ۱۳ سال گذشته ۴۴ برابر شده است مفهوم اولیه این افزایش این است باید ملت ایران لااقل ۲۴ برابر بیش از آنکه ۱۳ سال پیش کار می‌کردند کار کنند و این کار صادقانه و مشتاقانه است که می‌تواند ما را موفق بکند البته من در گفته‌های خودم بحثی از ارقام بودجه نخواهم کرد با عنایت دوستان و حضار محترم که با گوش کردن بعرض من فرصت خواهند داد که در مدت کم این مطالب را بازگو کنم که وقت بدیگران هم برسد امیدوار هستم نکاتی را که یادداشت کرده‌ام بعرض برسانم.

بدون شک باید از موفقیتها سخن بگویم کسانی که این موفقیت‌ها را ممکن کرده‌اند در مملکت ما از آنها به نیکی یاد کنیم، در تمام موفقیت‌ها افکار بلند و اراده آهنین شاهنشاه ما همیشه وجود دارد و در پشت سر رهبر نیرومند ما ۳۰ هزار سرباز نیرومند و متحد همیشه حاضرند که از این منبع افکار بزرگ انسانی الهام بگیرند از این نظر کسانی که بخواهند قضاوت کنند با اگر جناب آقای نخست‌وزیر مایل باشند که به بعضی از اشارات من جواب بگویند خیلی علاقمند هستم که در مجموع گفته‌ها نضاوت بکنند نه اینکه بیک نکته انگشت بگذارند و بیک جواب کلی بدهند چون کسی که پشت این تریبون قرار بگیرد مسئولیت ملی و اجتماعی خود را احساس می‌کند ما باید از مشکلات از نارسائیهات بیشتر از موفقیت‌ها صحبت کنیم چرا؟ برای اینکه موفقیت‌ها را درست داریم و تلاش می‌کنیم که این موفقیتها را بیشتر بدست آوریم ولی اگر نارسائیهات را نگوئیم آموغ قضاوت ما یکطرفه خواهد بود (احسن) نکاتی که اشاره خواهیم کرد نکات پراکنده است که شاید بین آنها یک ارتباط منطقی نیست ولی احساس می‌کنم مسائلی است که جامعه امروز ما باین مسائلی می‌اندیشد و من دوست دارم که این مشکلات و نارسائیهات از بین برود بر حسب تصادف نکته اولی که می‌خواهم اشاره کنم در مورد بحران مسکن و گرانی اجازه بها است دولت جناب آقای آموزگار در این مدت فلیل

فعالیت‌های چشمگیری کرده است، ولی این اقدامات در سطح یک اقدامات نظری است و مردم بی‌صبرانه منتظر هستند که این اقدامات نظری در مرحله عمل ظهور کند و ما امیدواریم که در مدتی که آینه در اختیار ما خواهد گذاشت این نظریات خوب که امیدهایی در آن هست عملی بشود ولی من در این لحظه می‌گویم که در شهرهای بزرگ ما مسکن بعنوان یک بحران اقتصادی در زندگی خانواده‌ها وجود دارد. نکته دومی که اشاره می‌کنم مردم می‌گویند که مسئولان و مقامات دولتی در دستگاههای دولتی از اختیارات خودشان در شرایط مختلف بضرر جامعه و برفع یک اقلیت سوء استفاده می‌کنند در فضای سیاسی و اجتماعی ایران عیوب اجتماعی مانند رشوه، پارتی بازی، فساد اداری، مقدم شمردن دوستی‌ها و روابط به قوانین و موازین اداری نمیتواند قابل تحمل جامعه ایران رستاخیزی باشد (احسن) به اعتبار تحقیقات علمی که در شناخت ساخت روانی جامعه ایرانی انجام گرفته است ما مردم بدوستی‌ها خیلی احترام می‌گذاریم ولی در مسایل اجتماعی و اداری متأسفانه این دوستیها آثار بسیار نامطلوبی ایجاد کرده است کسانی که مقام اداری در این مملکت بعهدہ می‌گیرند در مقابل اجتماع و در مقابل وظایف خودشان و در نهایت در مقابل شاهنشاه مسئول هستند مشی اینها قانون است و ضوابط و بهیچوجه دیگر جامعه ما نمیتواند ببیند که یک فرد ایرانی قبل از رفتن بیک اداره جستجو می‌کند و می‌پرسد که دوستی دارید یا نه می‌گوید اگر شناختی با وزیر یا معاون و یا بالاخره آشنایی در آبدارخانه دارید کارتان زود انجام می‌گیرد این تفکر مثل یک گردی است که روی یک جواهر را پوشانده باشد جواهر وضع کنونی اجتماع ماست ولی این عیوب که اشاره کردم گردی است که باید از روی این جواهر پاک بشود درست است که ریشه این نارسائیهات در گذشته دور ما هست ولی ما چرا رستاخیز کردیم؟ برای اینکه این عیوب را برطرف کنیم عده کثیری از هموطنان ما هنوز هم صدر صد اعتقاد دارند که کارها را دستگاههای اداری روی پارتی بازی انجام می‌دهند اگر این عمل هست بیاید کاری بکنیم که این عیوب برطرف بشود اگر این فقط تفکر است همه ما مسئولیت داریم این فکر را تصحیح کنیم. کلمه پارتی بزبان فرانسه یعنی حزب شاید در اجزای گذشته مبسوم بوده است که مسایل حزبی مقدم بر مسایل اجتماعی باشد ولی ما حالا یک حزب داریم همه ما بیک جا نگاه می‌کنیم، همه ما بایران می‌اندیشیم پس چه بهتر خواهد

آراسته شده است. کتاب بسوی تمدن بزرگ شامل مسائل پیچیده فلسفی و سیاسی و اقتصادی است و راه ملت ایران را مشخص کرده است. در این کتاب همه خطوط اصلی سیاست‌های اجتماعی و اقتصادی و دفاعی ملت ایران تعیین شده است. این کتاب فقط از آن نسل حاضر نیست بلکه کتاب شرفیست نسل‌های آینده ایران نیز هست.

امیدواریم در راه رسیدن به هدفها و برنامه‌هایی که شاهنشاه بزرگ ما تعیین فرموده‌اند دولت بیروزمندان به پیش رود و جناب آقای دکتر آموزگار هم که شخصیتی تیزهوش و لایق و مبین پرست هستند در انجام وظائف خطیر و حساسی که بعهدہ دارند موفق و مؤید باشند از بخدای بزرگ و بی‌همتا می‌خواهیم که شاهنشاه آریامهر و فرمانده توانای ایران زمین و ناخدای کشتی ایران را از گزند حوادث مصون و محفوظ نگه دارد تا در زمانی هرچه کوتاه‌تر و با گام‌هایی هرچه استوارتر بسوی تمدن بزرگ پیش روییم.

که گردون نگرودد مگر برین بیابان گردد کلاه مہی (احسنت - احسنت)

رئیس - آقای دکتر آریایی بفرمایید.

دکتر پرویز آریایی - جناب آقای رئیس، محبت محترم

دولت، حضار گرامی، خانمها و آقایان سزای اینکه بتوانم

فرصتی داشته باشم نه در لایحه بودجه بل کشور بنام

نماینده ملت ایران و نماینده نسلی که در عصر انقلاب

ایران بوجود آمده است در این مکان مقدس چکیده‌ای

از افکار و آرمانهای خود را بیان بکنم، لازم بوده است که

چندین شبانه روز در مجلس بنام، بدون شک بودجه

مجموعه ارقام و اعداد است و این ارقام و اعداد قطعاً

باید بایک دید فنی و اقتصادی مورد بررسی قرار بگیرد.

ولی در تاریخ مشروطیت ایران طبق یک سنت پارلمانی

نمایندگان فرصت داشته‌اند که در کلیات لایحه بودجه

از مسائل مملکت بطور مبسوط سخن بگویند من تقارن

مطرح شدن بودجه سال ۲۰۳۷ کل کشور با انتشار کتاب

سوم شاهنشاه آریامهر «به سوی تمدن بزرگ» بفال نیک

میگیرم، این سند مکتوب و مطلوب تاریخی یکی از

ارزنده ترین و مهمترین سندهای فرهنگ ملی ماست و ما

با اتمام از محتویات این سند تاریخی باید مسائل مملکتی

مان را مورد بررسی قرار بدهیم چون در این سند گذشته

ایران، حال ایران و آینده ایران با یک دیدگاه انسانی

و علمی بسیار غنی و منحصر بفرد در شرایط بشری امروز

کوچکی از این کتاب را که در تعریف تمدن بزرگ نوشته شده در این مکان مقدس قرائت بکنم، شاهنشاه بفرمایند: «تمدن بزرگ یعنی چه؟ یعنی تمدنی که در آن بهترین عناصر دانش و پیش بشری در راه تأمین عالیتین سطح زندگی مادی و معنوی برای همه افراد جامعه بکار گرفته شده باشد، تمدنی که در آن دستاوردهای بدیع علم و

صنعت و تکنولوژی با ارزش‌های عالی معنوی و با موازین پیشرفته عدالت اجتماعی در آمیخته باشد، تمدنی که بر پایه سازندگی و انسانیت پی‌ریزی شده باشد و در آن هر فرد آدمی در عین برخورداری از رفاه کامل مادی از حداکثر تأمین اجتماعی و از غنای سرشار روحی و اخلاقی بهره‌مند باشد بدیهی است هر ملت و جامعه‌ای در جهان حق دارد در راه نیل بچنین هدفی بکوشد و ما صمیمانه آرزوی نسیم که چنین تلاشی در هر جا که صورت گیرد با توفیق کامل همراه باشد زیرا این تلاشی است که در راه ایفای شریفترین رسالت جامعه بشری انجام می‌گیرد، ولی تا آنجا که به ما

مربوط است ما بیش از هر چیز تضمین سعادت و رفاه جامعه

ایرانی را در مدنظر داریم البته اگر تمدن بزرگ ما کشش

و جذابی داشته باشد با احتمال قوی این تمدن از

مرزهایمان خواهد گذشت و در آن صورت این در اختیار

دیگران خواهد بود که درباره آن داوری کنند» در تک تک

این کلمات چکیده و الاتی از تفکر انسانی نهفته است

ما با این دیدگاه به مسائل امروز ایران و آینده ایران

می‌نگریم، بودجه دولت که امروز مطرح است در

حقیقت نموداری از آرمانها و سیاستها و مسائل مملکت ماست

که با الهام از نظریات علمی و والای شاهنشاه ما است

شاهنشاه در کتاب بسوی تمدن بزرگ خطاب می‌کنند که

من شاهنشاه به عنوان رهبر سرنوشت ملت ایران و این

سخنان را به ملت ایران می‌گویم پس آرمانهای ما و

سیاستهای ما، پیش ما در حقیقت الهام می‌گیرد از

مفاهیمی که در این سند بزرگ تاریخی بملت ایران ارائه

شده است در ۲۰ سال پیش بنیانهای اصول انقلاب سفید

ایران بابتکار شاهنشاه آریامهر در فرهنگ ملی ما جان

گرفت و در ۲ سالگی انقلاب یعنی در سال ۲۰۲۴ بودجه

کل کشور ما ۱۷۰ میلیارد ریال بود امروز در ۱۰ سالگی

انقلاب و موفق ایران برای سال ۲۰۳۷ شاهنشاهی رقم

بودجه به ۴۱۷۹ میلیارد ریال رسیده است و بایک مقایسه

ما با افزایش حجمی قریب ۲۴ برابر رو برو هستیم لایحه

بودجه کل کشور که حدود ۲۰ ساعت بوسیله دوستان

ما و همکاران ما با حضور بسیار جدی هیات دولت مورد

بررسی قرار گرفت در این بودجه که در ۲۴ صفحه تنظیم شده وجود ارقام و اعداد در ارتباط با حال و آینده کشور یکی از نشانه‌های بارز موفقیت تلاشهای انقلابی شاه و ملت ایران است که در پشت هر کدام از این اعداد و ارقام فلسفه‌های بزرگی نهفته است که این فلسفه‌ها در بنیادهای اصولی انقلاب سفید ایران ریشه دارند پس با این مقدمه برای ما کاملاً معلوم است بعنوان نماینده

مردم ایران که با چه دیدی باین بودجه می‌نگریم، بودجه ما در ۱۳ سال گذشته ۲۴ برابر شده است مفهوم اولیه این افزایش این است باید ملت ایران لااقل ۲۴ برابر بیش از آنکه ۱۳ سال پیش کار می‌کردند کار کنند و این کار صادقانه و مشتاقانه است که می‌تواند ما را موفق نکند البته من در گفته‌های خودم بحثی از ارقام بودجه نخواهم کرد با عنایت دوستان و حضار محترم که با گوش کردن بعراضم بمن فرصت خواهند داد که در مدت کم این مطالب را بازگو کنم که وقت بدیگران هم برسد امیدوار هستم نکاتی را که یادداشت کرده‌ام بعرض بزنم. بدون شک باید از موفقیتها سخن بگویم کسانی که این موفقیت‌ها را ممکن کرده‌اند در مملکت ما از آنها به

سختی یاد کنیم. در تمام موفقیت‌ها افکار بلند و اراده

اعین شاهنشاه ما همیشه وجود دارد و در پشت سر زهر

نیرومند ما ۳۰ هزار سرباز نیرومند و متحد همیشه حاضرند

نه از این منبع افکار بزرگ انسانی انهام بگیرند از این

نظر کسانی که خواهند قضاوت کنند یا اگر جناب آقای

سخت وزیر مایل باشند که به بعضی از اشارات من

جواب بگویند خیلی علاقمند هستم که در مجموع گفته‌ها

نضاوت بکنند نه اینکه نیک نکه انگشت بگذارند و یک

جواب کلی بدهند چون کسی نه پشت این تریبون قرار

می‌گیرد مسئولیت ملی و اجتماعی خود را احساس می‌کند

نباید از مشکلات از نارسائیها بیشتر از موفقیت‌ها صحبت

کنیم چرا؟ برای اینکه موفقیت‌ها در دست داریم و تلاش

می‌کنیم نه این موفقیتها را بیشتر بدست آوریم ولی اگر

نارسائیها را نگوئیم امروز قضاوت ما بکطرفه خواهد بود

(احسنت) نکاتی که اشاره خواهم کرد نکات پراکنده

است نه شاید بین آنها یک ارتباط منطقی نیست ولی

احساس می‌کنم مسابلی است نه جامعه امروز ما باین

مسائل می‌اندیشد و من دوست دارم که این مشکلات

نارسائیها از بین برود بوسیله تصادف نکهت‌های که

من خواهم اشاره کنم در مورد بحران مسکن و گرانی

ناراضیها است دولت جناب آقای آموزگار در این مدت قلیل

از

از

فعالیت‌های چشمگیری کرده است ولی این اقدامات در سطح یک اقدامات نظری است و مردم بی‌صبرانه منتظر هستند که این اقدامات نظری در مرحله عمل ظهور کند و ما امیدواریم که در مدتی که آیتده در اختیار ما خواهد گذاشت این نظریات خوب که امیدهایی در آن هست عملی شود ولی من در این لحظه می‌گویم که در شهرهای بزرگ ما مسکن بعنوان یک بحران اقتصادی در زندگی خانواده‌ها

وجود دارد. نکته دومی که اشاره می‌کنم مردم می‌گویند که مسئولان و مقامات دولتی در دستگاههای دولتی از اختیارات خودشان در شرایط مختلف بضرر جامعه و بفتح یک افلیت سوء استفاده می‌کنند در فضای سیاسی و اجتماعی ایران عیوب اجتماعی مانند رشوه، بارتی بازی، فساد اداری، مقدمه شمردن دوستی‌ها و روابط به قوانین و موازین اداری نمیتواند قابل تحمل جامعه ایران رستاخیزی باشد (احسنت) به اعتبار تحقیقات علمی که در شناخت ساخت روانی جامعه ایرانی انجام گرفته است ما مردم بدوستی‌ها خیلی احترام می‌گذاریم ولی در مسایل اجتماعی و اداری متأسفانه این دوستیها آثار بسیار نامطلوبی ایجاد کرده است کسانی که مقام اداری در این مملکت بعهدہ می‌گیرند در مقابل اجتماع و در مقابل وظایف خودشان و در نهایت در مقابل شاهنشاه مسئول هستند مشی اینها قانون است و ضوابط و هیچ‌وجه دیگر جامعه ما نمیتواند بپذیرد که یک فرد ایرانی قبل از رفتن بیک اداره جستجو می‌کند و بی‌برسد که دوستی

دارد یا نه می‌گوید اگر شناختی با وزیر یا معاون و یا

بالاخره آشنائی در آید یا نه دارد کارتان زود انجام

می‌گیرد این تفکر مهل بگرادی است نه روی نیک

جوهر را بوشانده باشد جوهر وضع کنونی اجتماع ماست

ولی این عیوب که اشاره کرده‌ام کردی است که باید از

روی این جوهر پاک شود درست است که ریشه این

نارسائیها در گذشته دور ما هست ولی ما چرا رستاخیز

کردیم؟ برای اینکه این عیوب را برطرف کنیم غده

کثیری از هموطنان ما هنوز هم صددر صد اعتقاد دارند

که نارها را دستگاههای اداری روی بارتی بازی انجام

می‌دهند اگر این عمل هست بیاید کاری بکنیم که این

عیوب برطرف شود اگر این فقط تفکر است همه

مسئولیت داریم این فکر را صحیح کنیم. کلمه بارتی

بزرگ فرانسه یعنی حربه‌هاست در اهراب گذشته‌ها

است که مسایل حزبی مقدم بر مسایل اجتماعی باشد

ولی ما حالا یک حزب داریم همه ما بیک جا نگاه

می‌کنیم، همه ما بایران می‌اندیشیم پس چه بهتر خواهد

از

از

از

از

از

از

راه آهن کارگرهای خارجی بیاوریم و در مسیر خط آهن بگذاریم در صورتی که همین خطی که از روستاها میگذرد میتواند همان روستائی را بکارگمارد در اغلب مشاغل می بینیم که افراد آذربایجانی را به کرمان فرستادند کرمانی را به شیراز و شیرازی را به تهران و تهرانی را به کردستان در خیلی از کارها بدلیل نامساعد بودن شرایط کار از نیروی انسانی خوب استفاده نمی شود شما به تقاضاهای انتقال و استعفاهای کارمندان ادارات توجه کنید.

می بینید اغلب خانواده ها از هم جدا شده اند اخیراً یک فرهنگی بین مراجع کرده بود خودش فرهنگی است و خانمش می خواهد استخدام شود و تا پنجسال نمی تواند در تهران کار کند و باید برود به استان دیگر، همسر مدتها است در تهران اشتغال دارد، این قبیل ریزه کاریها در دستگاههای مسئول خیلی میتواند بجدب نیروی کار کمک کند و ابتکار عمل را هم باید بیهان دستگاه داد نکته ای را که میخواهم عرض کنم در مسائل اداری، اغلب نامه هایی که بنمایندگان میرسد از کسانی است که میخواهند منتقل شوند من نمی دانم که این انتقالها دارای ضابطه ای هست یا نه می گویند اگر جناب وزیر موافقت کند این انتقال میسر خواهد شد اگر موجودیت این کارکنند در یک شهر با ضوابط پیش بینی شده برای تحصیل یک مصلحت است این آدم باید حداقل زمان را آنجا زندگی کند و زندگی خود را تنظیم کند بجهت دلیل باید با نظر وزیر منتقل شود و اگر کسی بیاید با وزیر تماس بگیرد و این رضایت را کسب کند دیگران چکار کنند از بیان این مطلب منظورم این نیست که اختیارات وزرای محترم محدود گردد عرض اینست که اگر یک کارمند در یک جایی مشغول است بودن او و موجودیت او باید در ارتباط باشد با موازین صحیح عدم رضایت اغلب کارمندان دولت مخصوصاً در شهرستانها از نبودن ضابطه است که آنها تلاشهایی می کنند تا جلب رضایت وزیر مربوطه را بکنند و منتقل بشوند وجه بسا که این مکانیزم جذب رضایت بعضاً مؤثر است و برای بعضی مؤثر نیست و انجام نمیگیرد و نارضایتیها بوجود می آید عدم تکافوی تدابیر انجام شده و امکانات علمی برای پاسخگویی به نیازهای آموزشی و علمی کشور است، من تخصصی در علوم سیاسی ندارم ولی به انکاء دانش عمومی خودم احساس می کنم که قسمت زیادی از سیاستهای اصولی ملت های کنونی کشورهای جهان را مردمان آن کشورها تعیین نمی کنند. حالا خواست مردم ایران این است که

ملت ایران، جوانان ایران امکان دسترسی بدانش را داشته باشند این یک حق انسانی است در مقابل این حق، یک حق اجتماعی هم هست حق اجتماعی و حق انسانی افراد در مورد دسترسی به دانش باید با هم آشتی داده شود احساس میشود که علیرغم موجود بودن امکانات بسیار خوب در ایران کنونی ما برای دسترسی به دانش جوانان ما از این امکانات استفاده صحیح نمی کنیم بنده اعتقاد دارم که دانشجویان کشور ما با شرایط کنونی میتواند به سه برابر افزایش پیدا کنند (صحیح است) ولی باید از یک تفکرات پیش خواسته و از یک برداشت های وارداتی خودمان را خارج کنیم، ایرانی پاندمیشیم چگونه میتوان قبول کرد ما از یک طرف در تمام زمینه ها کمبود نیروی انسانی داریم از طرف دیگر هم علاقه شدید مردم ایران برای بدست آوردن مهارتها می بینیم. من با گفتن این مطلب نمی خواهم تلاشهای بزرگی که در این زمینه به رهبری شاهنشاه ما انجام گرفته نادیده بگیرم. مادر پایان برنامه پنجم پیش از ۱۹ هزار دانشجو خواهیم داشت یکی از معیارهای پیشرفت مملکت ما تعداد جوانان تحصیل کرده است (صحیح است) ولی بیش از این به آنها احتیاج داریم یک مثال خدمتان عرض کنم. دانشگاه تهران قدیمی ترین مؤسسه آموزش عالی ما در سال ۱۳۱۳ یعنی در یکی از اساسی ترین مرحله تاریخی ایران بدست رضاشاه کبیر بنیان گذاری شد در ۴۰ سال تحصیلی گذشته از این دانشگاه هفتاد هزار نفر ایرانی فارغ التحصیل شده اند. اگر فرض کنیم که همه این هفتاد هزار نفر اکنون در عمل هستند و کار می کنند ما هفتاد هزار نفر دانشگاه دیده داریم. اگر بایک خوشبینی و خوش باوری بگوئیم که صد هزار نفر هم از دانشگاههای شهرستانها فارغ التحصیل شده باشند، اگر ما صد هزار نفر هم تحصیل کرده دانشگاهی به ایران وارد کرده باشیم، اگر بگوئیم دویست هزار نفر هم اکنون مشغول تحصیل هستند میشود ۴۰۰ هزار نفر، اگر صد هزار نفر هم متفرقه به آن اضافه کنیم میشود نیم میلیون نفر. اگر ما عددی و پنج میلیون نفر جمعیت ایران را به این نیم میلیون نفر تقسیم کنیم میشود یک به هفتاد یعنی از هر هفتاد نفر انسان ایرانی یک نفر تحصیل دانشگاهی دارد و طبق تعریف تحصیل دانشگاهی بعد از دبیرستان در هر سطوحی از دوره عالی، شما این را دو برابر حساب کنید از هر سیم و پنج نفر دوتفر. من باللهام از افکار بلند شاهنشاه تعریف تمدن بزرگ را اینجا قرائت کردم.

شاهنشاه ما از کان و بنیادهای این تمدن بزرگ

را برداش و پیشش و تکنولوژی و مهارت استوار کرده است. مادر مقابل یک جهاد و رسالت بزرگ تاریخی قرار گرفته ایم. در عصر تمدن بزرگ ما پرگه زردآلو و فرش نباید صادر کنیم باید انسان دانشمند و اندیشه علمی صادر کنیم (احسن است). البته در اول سختم عرض کردم کسانی که می خواهند از سخنان من نتیجه بگیرند اجازه بفرمایند همه سخنانم را بگویم آنها را هم منجس کنند بعد نتیجه بگیرند. پس ضرورت استقرار یک سیاست جدید متناسب برای تقویت بنای علمی کشور برای ایران حال و آینده و جهت حفظ پیشرفتهای همه جانبه خود به علوم و فنون بطور روزافزون نیاز داریم. ما در اینجا، در این حال دو مرحله داریم. مرحله اول رسیدگی به حد خود کفائی است مرحله دوم رسیدن به آن ایرانی است که به دنیا دانش صادمی کند. البته این آرزوی طلائی است که احتیاج به خیلی کوشش و تلاش دارد ولی راهی است اجتناب ناپذیر. ملت ایران این راه را باید طی کند یکی از رسالت های مهم ایرانی که بسوی تمدن بزرگ پیش می رود تولیداتش و صدور فرآورده های علمی و اندیشه ای می باشد. ما ایرانیان وظیفه داریم با در آمیختن پیشرفته ترین دست آوردهای علمی جهان با فرهنگ ملی ایران به یک ثروت ملی ویژه یعنی تکنولوژی ملی دسترسی پیدا کنیم. یکی از آرزوهای مهم رهبر ما همین نکته ای است که بشما عرض کردم. این همه مشکلات که در اثر ترقیات مختلف در کشور ما ایجاد شده است، این مشکلات برای اینکه حل شود باید طبق اصول علمی انجام گیرد. دولت ما باید بداند که یک کارمند چرا خوب کار نمیکند، باید روی کار تحقیق بشود، تحقیق روان شناسی و تحقیق اقتصادی. جناب رامید موتور انسان بیم و امید است باید امید داشته باشد که اگر خوب کار کرد پیشرفت می کند، اگر نتوانست با نخواست خوب کار بکند یک بیم مترصد اوست ما این را باید به فرهنگمان وارد کنیم والا با موعظه و نصیحت نمیتوان در فضای فکری امروز دنیا انسانها را به کار واداشت. من با تمام وجودم به معنویت اعتقاد دارم ولی مگر حضرت پیغمبر (ص) در ۴۰۰ سال پیش احکام و دین اسلام را به دنیا پیشنهاد نکرد؟ آیا همه کسانی که اسلام آوردند مسلمان خوب بودند؟ ولی یک انضباط صحیح میتواند انسانها را بکار خوب وادارد. نظام کنونی جامعه ما باید این معنویت را با نظام بازرسی و کنترل صحیح و روشی بسیار دقیق کنترل کند. این کار میسر نیست

مگر با بیشتر کردن دانش افراد با بکار بستن شیوه های علمی صحیح و آموخته. یکی از مطالبی که در بحثهای عمومی بودجه عنوان شده است کمبود درآمد و جاذبه ها در روستاهاست. بنده از یک دیدگاه دیگری این موضوع را عنوان می کنم. ما باید مشخص بکنیم که آیا از نظر فلسفه اصولی موجودیت کنونی روستاها همان را قبول داریم یا نه. اگر جواب این سؤال مثبت است که یقیناً هست. باید یادیشیم که روستاهای ما چه بودند وجه شدند وجه باید بشوند. و در این مسائل باید این سه تا مقطع را در نظر گرفت. بنده اعتقاد دارم که دولت هم از نظر کمیت پول و هم از نظر تعدد خدایات، که به روستاها برده است تلاش ارزنده ای کرده است. اکنون گفته میشود ما در کشورمان احتیاج به یک مدیریت مبتنی بر عدم تمرکز داریم ولی روستا امروز یک کارخانه انسانی است یک کارخانه ای که مواد بیولوژیکی تولید میکند و برعکس آنچه می گوئیم در سطح مملکت یک عده تمرکز در کارهای مملکتی باید وجود داشته باشد، در سطح روستا باید یک مدیریت متمرکز فنی اعمال شود تا روستاها بتوانند رسالت تولیدی خودشان را انجام دهند. اگر شما حضور مقامات دولتی را در سطح روستاها بررسی کنید می بینید هر کدام از وزارتخانه ها نماینده ای در روستاها دارد. سپاه بهداشت، خانه بهداشت، از وزارت بهداری، دهقان، انجمن ده، ژاندارم از وزارت کشور، مدرسه، معلم، سپاه دانش، از وزارت آموزش و پرورش. خانه انصاف از وزارت دادگستری، ولی تمام این عناصر بطور مجزا از هم در روستاها کار میکنند مطلبی که عرض می کنم دارای یک بنیان تفکری علمی است متأسفانه من چندین بار این مطلب را در مجامع علمی بیان کردم من تصور می کنم که این گفته ها فقط برای این است که در صورت جلسات نوشته شود نه برای اینست که ایس ن تفکرات بوجود بیاید، در پشت این کلمات جلسات مشاوراتی بوجود بیاید تا سبنای فنی و علمی این اندیشه ها ارائه شود و در محل از آنها سود برده شود. مطمئن باشید اگر ما بخواهیم یک مدیریت غیر متمرکز در روستاها اعمال کنیم خیلی به اقتصاد خودمان لطمه وارد میکنیم که دیگر قابل جبران نخواهد بود جناب وزیر کشاورزی تأیید خواهند فرمود که پایه کار کشاورزی، پایه های بیولوژیکی و حیاتی است باید در زمان تداوم داشته باشد. اگر ریشه های کشاورزی، بکشد دیگر زمان زیادی لازم

است که این رشته بتواند پیوند بخورد. اگر تولیدات کشاورزی از بین برود ده سال وقت لازم است که دوباره شروع به تولید کنیم از این نظر سیاست دولت کنونی ما و وظیفه مهمش در مقابل احیای روستاها کنار گذاشتن تمام بحثهای فلسفی درباره کشاورزی صنعتی و سنتی است و باید به این نکات بیاندیشد. من مطالب را به این اعتبار می گویم که در روستا بزرگ شده ام و به اعتبار این می گویم که دانشهای لازم جدید را در این مورد در اختیار دارم، در ارتباط با مسائلی که عرض کردم تلاشهای مبارزه با بی سوادی با آنکه خوب پیشرفته است ولی در حد کفایت نبوده است. اولویت دسترسی طبقات مردم مخصوصاً زنان به سواد بسیار بسیار حائز اهمیت است (صحیح است) تا زنان ما در روستاها، زنان خانه دار ما به سواد دسترسی پیدا نکنند برنامه های مهم مملکتی با سرعت لازم پیش رفت نخواهد کرد. از یک مادر بی سواد نمیتوان توقع داشت که فرزندان لایق ایران امروز تربیت بکند (عباس میرزائی - ببینید ایمان این مادران چقدر است همان مادر بی سواد هم فرزندان رشیدی به مملکت داده است، خط بطلان روی همه مادران نکشید) بله، بهیشت زیر پای مادران است من با شما هم عقیده هستم ولی مسلماً سواد تاریکیهای ذهن را روشن و احیاء می کند و سواد مورد احترام است. نکته دیگری که نمی خواهم عنوان کنم. مربوط به تمرکز کارها در تهران است جناب آقای رفعتی بنده علاقه دارم جناب آقای وزیر مشاور بعراضم گوش کنند خواهش میکنم با ایشان صحبت نکنید تمرکز کارها در تهران و مراکز استان در همه جا گفته شده و سیاست و خواست ظاهری دولت هم این موضوع را تأیید میکند ولی بنده تعجب میکنم هیچگونه اقدامی عملی در این باره انجام نمیگیرد یا اگر انجام میگیرد ذرهدی نیست که بتواند تمرکز کارها را در تهران کم کند خوب بخاطر دارم وزیر پیشین تعاون و امور روستاها این جا گفت که من وزارتخانه خودم را به شهرها و روستاها خواهم برد چون آنچه مربوط بروستا هست باید در روستاها حل و فصل شود نه در تهران و بعد گفته شد که تعداد زیادی از وزارتخانه ها بخارج از تهران منتقل خواهد شد ولی اینک هنوز در حرف است این مسائل نه تنها از تمرکز کارها خواهد کاست بلکه یک فعالیت انسانی و خدماتی به سایر شهرها خواهد برد و بجای این نقاط را عوض خواهد کرد مشکل ترافیک مشکل آلودگی محیط زیست

ناشی از همین است ما اغلب می خواهیم مشکلات را در تهران حل کنیم در حالیکه مشکل آلودگی محیط زیست و مشکل ترافیک در تهران و مشکل تراکم انسانها باید در روستاها حل شود نه در تهران متأسفانه اینها همه در حد حرف و سخن باقی مانده جناب آقای رامبد من با ادامه بحثم بیک موضوع می خواهم اشاره کنم که مربوط به آذربایجان شرقی است بطوریکه میدانید آذربایجان شرقی دارای سه میلیون و نیم نفر جمعیت و یازده شهرستان و چهار هزار روستا است موقعی که مشخصات کلی استانها را بررسی میکردم بسیار متعجب شدم که باستاد کدام مصلحت و کدام معیارهای اجتماعی بعضی از استانها خیلی کم جمعیت هستند بعضی پر جمعیت مثلاً استان ایلام حدود ۲۴ هزار نفر جمعیت دارد و سیستان و بلوچستان حدود ۷۰۰ هزار نفر اینها آمار جدید است و مستند عرض میکنم ولی استان آذربایجان شرقی قریب ۳/۵ میلیون نفر است من بعنوان نماینده یکی از شهرستانهای این استان احساس میکنم این است که وقت آن رسیده که بدون هیچگونه تعصبی یکی از خواسته های مردم این استان جامه عمل بپوشانیم تعدادی از مردم این استان احساس دارند که اگر آذربایجان شرقی کنونی بصورت دو استان مجزا درآید توجه باین پیشنهاد در پیشرفت امور در این استان اثرات نیکویی خواهد داشت حالا که سخنانم را اینجا رساندم راجع به آذربایجان یک پیشنهاد هم دارم بعنوان یکی از فرزندان این سرزمین بعنوان کسی که برخوردار از انقلاب شاه و ملت شده و بعنوان یک دانشگاهی بعنوان نماینده نسل جوان این جا سخن میگویم با صدای بلند اعلام میکنم جانبازی مردم آذربایجان برای شاهنشاه ریشه های فرهنگی و ریشه های عاطفی بسیار عمیقی دارد که در هزاره های تاریخ ملت ما رشد دارد مردم آذربایجان همیشه پیشتازان استقلال و عظمت ایران بوده اند آذربایجان مهد دلیران مهد وطن پرستان و شاهدوستان است دشمنان ایران بسیار اشتباه کردند در این تاکتیک خودشان این مهد وطن پرستی و شاهدوستی را انتخاب کردند با این خرابکاری که در تبریز رخ داده است بار دیگر مردم آذربایجان میثاق و عهد ابدی و همستی خود را با نظام شاهنشاهی و شخص شاهنشاه دوباره استحکام میبخشند (صحیح است) دشمنان ایران باید بدانند که مهم ترین انگیزه انسانها برای عشق و ورزیدن واقعیت هاست. کدام دشمن ایران میتواند در ذهن کشاورز و کارگر و جوان ایرانی نفوذ کند؟ و گوید انقلاب ایران به این طبقات چیزی نداده است این

دسیسه ها هرگز به جایی نخواهد رسید (صحیح است - احسنت).
 رئیس - آقای دکتر بیاناتان تمام شد؟ چون چند نفر دیگر هم هستند که برای صحبت ثبت نام کرده اند
 دکتر اربابی - خیر تمام نشده یکی، دو نکته دیگر هست که باید عرض بکنم، نکته اول این که یکی از اولویت های بودجه سال ۳۵۳۷ امور دفاعی کشور است، کسانی که از دور روی اعداد قضاوت می کنند. اغلب فکر می کنند که چرا هفتصد میلیارد ریال از بودجه این کشور به دفاع عمومی کشور اختصاص داده شده است می خواهم این جا بیان کنم یکی از دستگاه هایی که با تفکر رستخیزی و با موقعیت های کنونی ایران کاملاً تطابق دارد دستگاه نظامی مملکت ماست، دستگاهی که علاوه بر رسالت های بزرگ خود در آموزش مردم این کشور سهم بسیار ارزنده ای دارد. دستگاهی که تمام کارهایش روی ضابطه و روی اصول بسیار صحیح انجام میگردد، من هرگز دوباره خدمت نظام خود را که با درجه افسری گذراندم فراموش نمی کنم در این وقت بسیار چیزها آموختم، من دستگاه ارتش را چنان می شمارم که با برنامه های آینده کشور ما اگر تطبیق کنید چندین سال بصورت پیشرو حرکت می کند دستگاهی که خودش را به علم و دانش تجهیز کرده است، دستگاهی که رسالت بزرگ خود را تحت رهبری شاهنشاه پانهایت ندرت و عظمت انجام میدهد، من به عنوان یکی از نمایندگان مجلس نهایت قدردانی خود را از این دستگاه اعلام میدارم (صحیح است) یکی دیگر از دستگاه هایی که به موفقیت های بسیار چشم گیری نایل شده است، دستگاه رادیو، تلویزیون ملی ایران است این دستگاه خوانسته است در رسالت رسانه های گروهی خود به موفقیت های زیادی دست پیدا کند دریغ داشتم که در پایان سخنانم از این دستگاه بسیار موفق و ارزشمند و

عظیم به نیکی یاد نکنم از حسن توجهتان بسیار متشکرم به محرمت دوستان و به احترام تذکر استاد ارجمند ریاست محترم مجلس به سخنانم پایان میدهم متشکرم (احسنت)
 رئیس - چند نفر دیگر از همکاران ما تقاضای صحبت دارند ولی قریب صد پیشنهاد کفایت مذاکرات رسیده است بنده می خواستم در این جا واقعاً از همکاران کمیسیون بودجه تشکر کنم چون همان طور که اینجا گفته شد در این مدت، دویست و ده ساعت جلسه تشکیل دادند و با حضور هیئت محترم دولت، نه فقط اعضای کمیسیون بودجه نظراتی داشتند که فرمودند بلکه سایر همکاران محترم هم اگر نظری داشتند در کمیسیون بیان کردند و آقای دکتر دادفر رئیس محترم کمیسیون بودجه با کمال گشاده روئی از ساعت نه صبح تا ده شب و حتی تا نصف شب، جلسه را به بهترین وجهی اداره کردند و بنده حتی یک مقدار نگران سلامتی ایشان بودم هم چنین در کمیسیون برنامه نمایندگان محترم حدود ۱۰ ساعت صحبت کردند. این جا هم ملاحظه فرمودید شصت نفر داوطلب صحبت بودند بعد هم عده زیادی در حدود بیست و چهار نفر سه شبانه روز در مجلس شورای ملی ماندند و این واقعاً علاقه نمایندگان مجلس را به مسائل مملکتی نشان میدهد. ولی نظریه این که وقت تنگ است اجازه فرمائید به کفایت مذاکرات رأی بگیریم نظر مخالفی نیست؟ (اظهاری نشد) خانم ها آقایانی که موافقت خواهش میکنم قیام فرمائید (همه برخاستند) بانفاق آراء تصویب شد.
 اعلام دستور و موقع جلسه آینده - پایان جلسه.
 رئیس - با اجازه همکاران محترم این جلسه را ختم می کنیم جلسه آینده ساعت دو و نیم بعد از ظهر امروز خواهد بود
 (جلسه ساعت دوازده و نیم پایان یافت)
 رئیس مجلس شورای ملی - عبدالله ریاضی